

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سروشناسه	: کتابچه کرسی آزاد اندیشی فقه نظریات اسلامی و نظام
عنوان قراردادی	: کتابچه کرسی آزاد اندیشی
عنوان و نام پدیدآور	: معاونت علمی دانشگاه عدالت - اداره کل پژوهش
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه عدالت، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
موضوع	: کرسی آزاد اندیشی - فقه نظریات
شناسه افزوده	: اداره کل پژوهش

## کتابچه کرسی آزاد اندیشی فقه نظریات اسلامی و نظام سازی فقهی از دیدگاه آیت الله سید محمد باقر صدر و آیت الله هاشمی شاهروdi معاونت علمی

اداره کل پژوهش

ناشر: انتشارات دانشگاه عدالت

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

شمار: ۱۰۰

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر برای انتشارات دانشگاه عدالت محفوظ است.  
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و  
ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کننده و قبلی از ناشر منوع است.  
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» ایران قرار دارد.

دفتر مرکزی انتشارات: خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه شهید  
دانش کیان، پلاک ۲۶

تهیه و تنظیم:

هادی شکری - زهیر خیری

ناظر تنظیم و گردآوری منابع:

دکتر محمد علی معیر محمدی

شماره: ۱۳۹۵/۱۱

کد موضوعی: ۱/۱۱۰

مرداد ماه ۱۳۹۵





## معاونت علمی

### اداره کل پژوهش

عنوان گرسی آزاد اندیشه:

فقه نظریات اسلامی و نظام‌سازی فقهی از دیدگاه آیت الله سید محمد باقر صدر (رضوان الله عليه) و آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (دام ظله)

ارائه کننده:

حجت الاسلام والملمین ملک زاده

مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم

ناقد:

حجت الاسلام والملمین رفیعی علوی

مدرس حوزه و دانشگاه

دادور:

حجت الاسلام و المللمین دکتر حسینعلی سعدی

رئیس دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و مدرس خارج

فقه و اصول حوزه علمیه



## فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۴	ارائه بحث حجت الاسلام والمسلمین ملک زاده
۱۴	کلیات بحث
۱۶	تعريف فقه
۱۹	تعريف نظامسازی فقهی
۲۳	مرجعیت تبعیضی
۲۴	گام نخست: اجتهاد
۲۶	گام دوم: رویکرد اجتماعی در فقه
۲۷	گام سوم: فقه مضاف
۲۸	گام چهارم: نظامسازی فقهی
۳۰	تحلیل نظامسازی فقهی در کتاب اقتصادنا
۳۳	نظریه پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی
۳۴	نظامسازی در کتاب فلسفتنا
۳۸	نظامسازی در کلام شهید صدر(رضوان الله عليه)
۴۴	نقد ارائه بحث: حجت الاسلام و المسلمين علوی
۴۴	کلیات بحث
۴۸	نگاه شهید صدر(رضوان الله عليه) در مورد حکومت و نظامسازی فقهی
۵۳	روش شناسی فقه النظریات

ریشه نظامسازی فقهی .....	۵۶
داوری : حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعدی .....	۵۷
اشکالات واردہ بر فقه النظریات .....	۵۸
منهج شهید صدر(رضوان الله عليه) در فقه النظریات .....	۶۲
حل نظریه ولایت فقیه و منطقه الفراغ .....	۶۷
تفاوت فقه فردی و فقه حکومتی .....	۶۸
نقد، نظریه پرداز .....	۷۱

## پیشگفتار

دانشگاه عدالت که بر اساس مصوبه جلسه ۷۱۳ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس شده است، دارای اهداف خطیری چون:

- ۱- توسعه و تقویت پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و تطبیقی در جهت نظریه پردازی در رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی مورد نیاز جهان اسلام به ویژه در عرصه نظام‌سازی بر اساس معارف اسلامی؛
- ۲- تقویت و نیل در پاسخ به شباهات و کرسی‌های نقد و گفتگوی شایسته در چارچوب اهداف و مأموریت‌های دانشگاه؛
- ۳- دستیابی به علم بومی (ایرانی - اسلامی) با نگاه انتقادی - علمی به نظریه‌های ترجمه‌ای در زمینه‌های علوم انسانی
- ۴- تلاش در جهت نشر فرهنگ اسلامی و معارف اهل بیت(ع) می- باشد. یکی از فعالیت‌های مهم که پس از استقرار معاون محترم علمی در دانشگاه عدالت صورت پذیرفت راه اندازی کمیته تولید محتوای علوم انسانی اسلامی بود این کمیته که با عنایت به منویات مرجع عالیقدر جهان اسلام حضرت آیت الله العظمی هاشمی

شاھرودى(دام ظله) تشکیل شد در پی تولید علم بومی مبتنی بر الگوی اسلامی می باشد.

لذا با توجه به اهداف و چشم اندازهای عالی دانشگاه عدالت که در اساسنامه این دانشگاه مندرج است و با عنایت به تأکید حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاھرودى(دام ظله) مبنی بر تولید علم بومی در دانشگاه عدالت کمیته تولید محتوای علوم انسانی اسلامی در تاریخ ۹۵/۵/۱۰ رسما آغاز به کار نمود.

## اهداف کمیته تولید محتوا

۱. همکام سازی علوم انسانی با معیارهای اسلامی و مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و بومی سازی این علوم در راستای نظرات و آراء آیت الله سید محمد باقر صدر(رضوان الله عليه) و منویات مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاھرودى(دام ظله)
۲. اصلاح و تولید محتوا در تمامی شاخه های علوم انسانی با رویکرد کتاب درسی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی
۳. همکاری با شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه تولید محتوا علوم انسانی اسلامی
۴. تصویب گرایش ها و شاخه های مرتبط با علوم انسانی اسلامی جهت ایجاد رشته و یا درس در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه عدالت و

پیشنهاد به شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت تصویب رشته و یا دروس برای تمامی دانشگاه ها.

۵. همسو نمودن طرح های پژوهشی ، پایان نامه ها ، رسالات دکتری و... در راستای تحول در علوم انسانی با رویکرد بند اول از اهداف.

## وظایف و اختیارات کمیته تولید محتوا

۱. موضوع شناسی در تمامی رشته های علوم انسانی و ایجاد طرح پژوهشی در قالب مشخص برای تدوین کتب درسی در مقاطع مختلف نظارت و ارزیابی حسن انجام امور پژوهشی در راستای اهداف کمیته

۲. ایجاد فضای مناسب جهت رشد پژوهشگران در راستای تولید علوم

انسانی اسلامی

۴. انتشار آثار پژوهشگران در راستای اهداف کمیته

۵. تعامل با سایر موسسات و ارگان های مربوط به اهداف کمیته

۶. ایجاد فضای مناسب جهت برگزاری کرسی های نظریه پردازی، کرسی های آزاد اندیشی ، نشست های علمی و همایش ها مربوط به اهداف کمیته

۷. ایجاد کارگروه های تخصصی در هر رشته و برقراری جلسات منظم و

ارائه گزارش کارکرد کارگروه ها در جلسات هفتگی کمیته

۸. برنامه ریزی جهت نشر آثار و آراء تولید شده در کمیته در صحنه بین

المللی

بر همین مبنای معاونت علمی - اداره کل پژوهش، دانشگاه عدالت بر آن شد تا نشستهایی در راستای کمیته تولید محتوای علوم انسانی اسلامی برگزار نماید. این کتابچه مشروح اولین جلسه از کرسی‌های آزاد اندیشی در همین راستا می‌باشد.

## مقدمه

جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد شروع شد. مجری برنامه جناب آفای بهنام طالبی طادی با معرفی سخنرانان، جلسه را آغاز کردند: ارائه دهنده بحث اصلی با موضوع فقه النظریه جناب حجت الاسلام و المسلمین ملک زاده، ناقد حجت الاسلام و المسلمین رفیعی علوی و داور کرسی، حجت الاسلام و المسلمین دکتر سعدی می‌باشند. پس از آن مجری برنامه، جلسه را با ذکر نظریات آیت الله العظمی هاشمی شاهروodi در مورد فقه النظریه رسمیت بخشید. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: **امروز فقه النظریات هم مورد نیاز نظام جمهوری و دولت اسلامی و هم مورد نیاز حوزه‌ها و محافل علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی است.** برخی از امور در حوزه‌های فقهی و غیر فقهی نیازمند به فقه است و اموری است که نیازمند نظریه پردازی فقهی است و لازم است از نظر فقهی حکم ثوری کلی آن مشخص شده و نظریه کلی آن داده شود چون مساله فقهی است که حکم شرعی را در بر دارد و باید حکم شرعی آن نظریه را اثبات کند که به آن فقه النظریات گفته می‌شود. که باید مثل مسائل خرد و فرعی اثبات فقهی یا نفی شود و این قبیل احکام فقهی مربوط به موضوعاتی است که مرتبط است به جامعه مثل نظریه ولایت

فقیه و حکومت اسلامی که مرحوم امام در مکاسب خود این بحث را  
مطرح کردند.<sup>۱</sup>

ارائه بحث حجت الاسلام والمسلمین ملک زاده:  
سلام علیکم جمیعا.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحيم....

### کلیات بحث:

عرض ادب و احترام دارم خدمت همه فرهیختگان و دانشجویان گرامی  
که در این جلسه حضور پیدا کردند. چه سروران معظمی که در بالای سن  
در خدمتشان هستیم چه سروران عزیزی که بعنوان مستمع جلسه را مزین  
فرمودند. بخشی که بنده محضر مبارک سروران خودم ارائه می کنم عمدتاً  
در دو بخش خواهد بود. یک بخش کلیاتی در رابطه با نظام و نظام سازی  
است که عنوان می کنم و طرح آنها لابد منه است و بخش دیگر هم  
معرفی اجمالی کتاب اقتصادنا و بررسی فقه النظریات در آثار شهید  
صدر (رضوان الله عليه) به ویژه در اقتصادنا است. از تعاریف مقدماتی عبور

---

<sup>۱</sup> - جهت مطالعه بیشتر در بحث تقسیمات فقهی و نظام سازی فقهی مراجعه کنید به درس خارج فقه  
حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (دام ظله) سال ۱۳۹۳ از جلسه ۴۵۳ الی ۴۷۶

می‌کنم چون فرصت محدود است. اگر بخواهیم نظام را تعریف کنیم، خیلی خلاصه و مختصر نظام عبارت است از : چارچوب و ساختار منظم، مرتب و هدفمند.<sup>۱</sup> من تقاضا می‌کنم عزیزان کلمات بنده را در سنت گفتمان خودمان در ک کنند. چرا که ساختار و سیستم در مکاتب غربی با فضای فقهی، اسلامی متفاوت است. اما تعریف نظام اجتماعی عبارت است از : الگویی متشکل از مجموعه‌ای منظم، هماهنگ و به هم پیوسته از باورها و ارزش‌ها برای سامان بخشی به بعدی از ابعاد زندگی اجتماعی و در راستای دستیابی به هدفی مقدس . ما یک الگو داریم متشکل از یک مجموعه. مجموعه‌ای که هم منظم و هماهنگ است و هم منسجم و هدفمند است؛ برای اینکه بعدی از ابعاد زندگی اجتماعی انسان را سامان دهی کند. در تعریف نظام‌سازی باید گفت: نظام‌سازی عبارت است از ایجاد ساختاری در میان اجزای یک مجموعه که با پایین‌ترین سطح هزینه و بالاترین سطح از آثار و کیفیت دستیابی به هدف را میسر بکند. برای مثال اگر ما بتوانیم در یک مجموعه انسانی و یا غیرانسانی، حتی مجموعه‌ای از ابزار آلات مکانیکی چارچوب و ساختار منظم، مرتب و منسجمی را بقرار بکنیم که با لحظه و پایندی به قیود

---

<sup>۱</sup> - قوام امر. (المنجد). ملاک امر و قوام آن . (تاج العروس)

گفته شده یعنی هزینه کم و کارآیی زیاد نیل به هدفی را برای ما میسر بکند طبیعتاً ما اقدام به نظامسازی در آن مجموعه کردہ‌ایم. یعنی نظمی برقرار کردیم و آنها را در راستای هدف خاصی فعال کردہ‌ایم تا ما را به آن هدف برساند. ابعادی که جامعه در آن جنبه‌ها نیازمند نظامسازی است متعدد هستند. طبیعتاً هر جامعه متعدد بشری به نظامسازی در حوزه‌های متنوعی احتیاج دارد که برخی از مهم‌ترین این حوزه‌ها عبارتند از: تعلیم و تربیت، خانواده، فرهنگ عمومی، اقتصاد، سیاست، روابط بین الملل، حقوق، مسکن و شهرسازی، سلامت، رسانه و... برای ایجاد تصویر و تصور از نظامسازی این نکات ارائه شد و از آنها عبور خواهیم کرد. اما بررسیم به نظامسازی فقهی. نظامسازی فقهی به چه چیزی می‌گوییم؟

## تعريف فقه

اینجا ما باید تعريفی از فقه ارائه بکنیم، بعد از آن تعريف فقه را تلفیق با تعريف نظامسازی کنیم و از آن تعريف نظامسازی فقهی را نتیجه بگیریم.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>- از جمله تعاریفی که برای فقه - به مثابه یک اصطلاح و دانش واژه و به عنوان نامی برای یک علم - ارائه شده است و در کتب علماء و فقها - به ویژه در چند سده اخیر - به وفور مشاهده می‌گردد عبارت است از: «الفقه هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلةها التفصيلية» [معالم الدين و ملاذ المجتهدين / الشیخ حسن نجل الشهید الثانی / المقصود الاول / فصل ۴، قوانین الاصول / المیرزا القمي / ص ۵]؛ فقه، علم به احکام شرعی فرعی بر اساس ادلهٔ تفصیلی آن احکام است.

پس، از تعریف فقه هم عبور می‌کنیم و یک راست یه سراغ تعریف

نظام‌سازی فقهی می‌رویم.<sup>۱</sup>

---

برخی در تلاش برای کامل‌تر نمودن تعریف مذکور، در معرفی دانش فقه گفتند: "الفقه في الأصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية أو تحصيل الوظائف العملية عن الأدلة التفصيلية" در واقع، افزوندن قید «تحصيل الوظائف العملية»، تکمیل و ترمیمی بوده که در تعریف مشهور صورت گرفته است تا بدین وسیله از شمول و دقت بیشتری برخوردار گردد. آیت الله مشکینی -نویسنده کتاب «اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها» - در توضیح این قید می‌نویسد: «و دخل بعض الوظائف ما يحصله الفقيه من الأمارات الشرعية بناءً على الطريقة و من الأمارات و الأصول العقلية كلزم اتباع الظن الإنسدادي عقلاً على الحكومة، و الحكم بعدم فعليّة التكليف أو الأمان من العقاب في البراءة العقلية، و لزوم العمل بالإحتياط في مسألة الإشتغال» / اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها/ الشیخ علی المشکینی

الأردبیلی/ انتشارات طباطبائی/ ۱۳۴۸/ چاپ دوم/ ص ۱۷۴

گذشته از تعریف مشهور و شکل تکمیل شده آن، آیت الله شهید سید محمد باقر صدر در ابتدای حلقة أولی از حلقات اصول، فقه را این گونه تعریف نموده است: «علمُ الفقه هو "علمُ استبطاط الأحكام الشرعية" أو "علمُ عملية الاستبطاط" بتعبير آخر؛ دانش فقه، دانش استبطاط/ به دست آوردن احكام شرعی «ویا به تعبیر دیگر: دانش فرایند استبطاط» است.

همچنین وی در تعریف احکام شرعیه می‌نویسد: «الحكم الشرعي هو التشريع الصادر من الله تعالى لتنظيم حياة الإنسان و توجيهه»؛ حکم شرعی، قانون صادر شده از جانب خداوند برای سامان بخشی به زندگی انسان و جهت‌دهی به وی است.

۱- آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (دام ظله) در تعریف فقه می‌فرمایند: تعریف فقه: در لغت فقه را به معنای فهم ذکر کرده‌اند که در قالب دو تعریف گفته شده است یکی اینکه مطلق علم و فهم است و دیگر اینکه مطلق علم نیست بلکه علم به امر دقیق و مشهور است یعنی مراد از فقه، کشف آنچه که مخفی و مستور است می‌باشد بنابر این آن را فقه می‌گویند چرا که کشف و علم به مطلب دقیقی است و در برخی از تعبیر آمده است که علم به مراد مخفی متکلم است که به احتمال قوی این صحیح است که فقه، اخض از علم و فهم است.

معنای اصطلاحی پیرامون فقه اند فقهها دو اصطلاح است یک اصطلاح عامی است که از آن به مطلق علم دینی تعبیر می‌کنند که شامل علم به اعتقادات؛ علم کلام، فلسفه اسلامی، اخلاق اسلامی و مطلق

علوم دینی می شود و از آن به فقه اکبر تعبیر شده است که شاید منشا آن آیه شریفه (فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَالِفَةً لَيَتَقَبَّلُوا فِي الدِّينِ) باشد با این توضیح که به تنفسه در کل دین چه فروع دین و چه اعتقادات و غیره، امر کرده است و اصطلاح دوم - که این اصطلاح مشهور شده است - به معنای (علم به احکام شرعی فرعی است) یعنی علم به فروع دین بخصوص است که دو تعریف از آن شده است که روح هر دو یکی است ۱) العلم بالاحکام الشرعية الفرعية عن ادلتها التفصيليه ۲- العلم بالاحکام الشرعية العملية عن ادلتها التفصيليه و در این تعریف دو قید ذکر شده است که با این دو قید علوم دیگر خارج می شود.

قید اول احکام شرعی عملیه یا فروع دین است که باید آن احکام شارع مقدس در رابطه با فروع دین و عمل مکلف باشد اما آنچه از مسائل دینی که احکام شرعی نبوده و مربوط به اعتقادات باشد و یا احکامی که مربوط به اصول فقه و سایر علوم اسلامی است خارج می شود به عبارت دیگر از احکام شرعی آنچه که مربوط به موقف و وظیفه عملی تنجیزی و تعدیری مکلف است مشمول علم فقه است و آنچه که خارج از آن است از مسائل علم فقه نیست و این یک معیار و یا قید در تعریف است که بنابر این معیار علوم کلام، فلسفه، عرفان، تفسیر و اصول فقه را از تعریف خارج کرده‌اند.

قید دوم که در تعبیر آمده است این است که این علم عن ادلتها التفصيليه باشد یعنی بايست علم به این احکام شرعی مستند به دلیل تفصیلی آن باشد که خواسته‌اند با این قید علمی را که برای فرد عامی از فتوای مجتهد خودش نسبت به احکام شرعی حاصل می شود، خارج کنند که این علم فقه نیست و در حقیقت مخصوص کنند تعریف را به علم به احکام شرعی که با اجتهاد و استدلال تفصیلی برای مجتهدین حاصل می شود.

برخی نیز گفته‌اند که قید ادلہ تفصیلیه علاوه بر خارج کردن علم مقلد، آن احکامی را که از مسلمات و بدیهیات و ضروریات دین هستند هم خارج می کند مثل اصل و وجوب نماز، روزه، حج و امثال آن و تعریف را مخصوص می کند به خصوص احکام شرعی اجتهادی و نظری.

لیکن به نظر می‌رسد این مطلب فوق درست نباشد و قید (ادله تفصیلیه) در مقابل دلیل اجمالی تقلید است زیرا که وجهی ندارد ادلہ تفصیلی را مخصوص به ادلہ نظری و غیر بدیهی و ضروری و مسلم کنیم بلکه دلیل تفصیلی اعم است از دلیل تفصیلی نظری در جایی که نیاز به استدلال، استظهار و یا استدلال به اصل و قاعده دارد و یا دلیل تفصیلی که مسلم و واضح است مثل استدلال به ضروریات و مسلمات و یا اجماعات و سیره مشرعه که اینها هم مشمول فقه است و کثیرا انجام می گیرد و در اثبات یک مسأله

## تعريف نظام‌سازی فقهی

نظام‌سازی فقهی را اینطور تعریف کرده ایم: کشف، ساخت و پرداخت نظام‌ها، چارچوب‌ها و ساختارهای منسجم فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... مبتنی بر قوانین استنباط شده الهی در علم فقه برای تنظیم و سامان بخشی ابعاد گوناگون زندگی انسان و جامعه انسانی و جهت دهی به بشر در راستای تقرب به خداوند و دست‌یابی به سعادت دنیوی و اخروی. در این تعریف عرض کردیم کشف، ساخت و پرداخت نظام‌ها. اما آیا ما در نظام‌سازی فقهی کشف انجام می‌دهیم؟ یا ساخت انجام می‌دهیم که این موضوع محل بحث است و موضوع اختلافی است اما بین العنوانین جمع کرده‌ایم که بجای خودش اشاره خواهد شد. در باب ضرورت نظام‌سازی فقهی هم شاید خیلی لازم نباشد که سخن به درازا بکشد. اجمالاً انسان متوجه می‌شود که این موضوع چقدر لازم است. در حقیقت نظام‌سازی حلقه وصلی میان اندیشه و کنش و رابطه‌ی میان ایده و

---

فقهی تمسک به ضرورت دینی و یا سیره قطعیه می‌شود که از ادله تفصیلیه است که در فقه بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین با این دو قید که در تعریف آمده با قید اول، علم کلام، فلسفه، اصول فقه، علم اخلاق و امثال آن خارج شده است و با قید دوم دلیل اجمالی تقلید که خاص به عوام و مقلدین است خارج می‌شود و این اجمال بحث از تعریف فقه است.

عمل است. برای عملیاتی شدن این اندیشه‌ها و ایده‌ها، عنصر ضروری عبارت است از نظام فقهی و نظام‌سازی. به بیان دیگر دین و اندیشه دینی از حوزه نظر و تئوری به میدان تطبیق و کاربست عمومی و اجتماعی ورود نمی‌کنند، مگر از مسیر نظام‌سازی و بواسطه‌ی نظام‌های اجتماعی و دینی. در حقیقت نظام‌سازی نه تنها پل زدن میان منابع اسلامی و زندگی امروز بشر است، بلکه پل زدن میان عمل و نظر است. ما خیلی اندیشه‌های خوب، ایده‌های جالب در ذهنمان می‌آید اندیشمندان ما به همین ترتیب. اما اینها زمانی که می‌خواهد عملیاتی بشود نیاز به چارچوب، نظام و برنامه عمل دارد. طبیعتاً اینجا که بنده سخنرانی می‌کنم تلفیقی از نظام و مدل را عرض می‌کنم. نظامی که متضمن الگوهای خرد هم باشد. در مجموع برنامه‌ای می‌خواهد برای عملیاتی شدن و گرنه ایده‌ها و اندیشه‌های خوب فراوان‌اند. اینها برای عملیاتی شدن متناسب با زمان و مکان نیاز به طرح دارند که این کار نظام است. لذا بنظر می‌رسد که اگر نظام نباشد در عرصه اجتماع ما نمی‌توانیم حاکمیت اسلام رو داشته باشیم و در حقیقت تغییر کلمه الله هی العليا یا الاسلام یعلو و لم یعلى عليه اینها در ساحت اجتماعی بشر بخواهند تعریف شوند؛ ظهور و تجلی آنها شدنی نیست مگر از طریق نظام و نظام‌سازی. به تعبیری مطرح است که الحق بلا نظام یغلبه الباطل بنظام. این

تعییر صحیحی است که یعنی حقی که نظم و چارچوب و نظام ندارد؛ چه بسا باطل با نظم و برنامه بیاید و به آن غلبه کند. نکته دیگری که در بحث نظام سازی مطرح است و از آثار شهید صدر (رضوان الله علیه) هم به خوبی استفاده می‌شود این است که تولید علوم انسانی اسلامی لااقل متوقف بر نظام سازی اسلامی است. شهید صدر (رضوان الله علیه) نیز در اقتصادنا این را مطرح می‌کنند که ابتدا ما نظام سازی را داریم و در مرحله بعد تولید علم را داریم. لذا الان هم که رهبری معظم(حفظه الله) در باب تولید علم سالیان سال است که سخن می‌فرمایند و توصیه می‌کنند که دانشمندان و اندیشمندان ما در این عرصه ورود بکنند و به این خودباوری برسند که اقدام بکنند، این در حقیقت شدنی نیست مگر بعد از اینکه نظام سازی در عرصه‌های مختلف صورت بگیرد. ما نظام سازی را نیاز داریم تا بعد به تولید علم برسیم. برخی از پیش فرض‌های نظری نظام سازی را نیز فقط به سرخط های آن اشاره می‌کنم . یکی از این پیش فرض‌ها جامع دانستن اسلام و نفی سکولاریزم است که این پیش فرض کلامی است. اگر ما به عنوان یک پیش فرض و بعنوان یک باور پیشینی در عقایدمان این را نپذیرفته باشیم که اسلام یک دین جامع است که هم نظر به حیات فردی دارد، هم حیات خانوادگی و هم حیات اجتماعی،

طبعا نظامسازی اجتماعی بر اساس دین خیلی مفهومی نخواهد داشت و این کار عبث و نشدنی است. پس نمی‌شود با اندیشه سکولار به دنبال نظامسازی باشیم. اگر احیاناً این طرف و آن طرف در برخی مطبوعات شما می‌بینید که شخصی مطرح می‌کند که ما باید به دنبال نظام‌های اقتصادی در غرب باشیم طبعاً اینها به وضوح اذعان می‌کنند که مطرح کننده آنها یک شخص سکولار است. هرچند واژه سکولار بار منفی در اذهان مردم دارد و این کلمه را به کار نمی‌برند اما مبنای آن را مطرح می‌کند. کسی که قائل به نظامسازی نباشد، در پی نظامسازی نباشد و خودش را در چارچوب نظام‌های اسلامی نخواهد قرار دهد سکولار است؛ چه این کلمه را قبول داشته باشد یا نداشته باشد. دومین پیش فرض رویکرد کلان و اجتماعی در فهم دین است. این هم به عنوان یک پیش فرض است که هم می‌توان آن را پیش فرض کلامی دانست و هم پیش فرض روشنی که ما در فهم دین رویکرد کلان و اجتماعی داشته باشیم. در فهم دین به شکل عام یعنی در روایات و در فهم دین به شکل خاص که البته این هم مهم است در عرصه فقه ما این رویکرد اجتماعی را داشته باشیم. سومین پیش فرض مورد نیاز نظامسازی که این نیز یک پیش فرض کلامی است، نگاه منظومه‌ای به اسلام و شریعت است. گاهی ما اسلام و

شريعت و به طور خاص احکام شريعت را جزایر جدا از هم می‌بینیم که هر کدام در یک عرصه‌ای مطالبی گفته‌اند، صلاه جداگانه، صوم جداگانه، خمس جداگانه، جهاد، نکاح، حدود، دیات و امثال ذلک و حتی در درون آنها هم انسجام را لازم نمی‌دانیم و قائل به ربط نیستیم بسیار خب؛ این طبعا به درد نظام‌سازی نمی‌خورد. آن اندیشه‌ای به درد نظام‌سازی می‌خورد و فقیهی می‌تواند در نظام‌سازی ورود بکند که پیش شرطی را پذیرفته باشد که اسلام و شريعت حالت منظومه‌ای دارد و نظام‌مند است. به تعبیر دیگر مجموعه این احکام اسلامی را اگر از بالا ببینیم و تصویر هوایی از آنها داشته باشیم یک تصویر به ما می‌دهند یک صورت به ما می‌دهند که آن تصویر حقيقی شريعت اسلام است. البته ممکن است کسی قائل به این تصویر نباشد و بگوید اینها جدا هستند و ربطی به هم ندارند.

### موجعيت تبعيضی

استطرادا به این نکته اشاره می‌کنم چرا که طبعا این جلسه جای این صحبت نیست؛ این اندیشه‌ای که مطرح می‌کند مرجعیت تبعيضی را یا تبعیض در مرجعیت را، این که مثلا انسان در برخی از احکام از کسی تبعیت کند و در بعضی احکام از مرجع دیگری؛ حالا گاهی از باب

ضرورت و اضطرار است اما گاهی این اندیشه که رواج هم دارد مبتنی بر غفلت از این نکته است. یعنی حتی فقهایی که فتوای بر این نوع تقليد می‌دهند کما اينکه بسیاری از مراجع چنین نظری دارند؛ وقتی این بحث را به صورت چالشی و در قالب گفتگو با آنها مطرح می‌کنید حرف را از شما می‌پذیرند و می‌گویند: "نمی‌شود" یعنی آن اندیشه منظومه‌ای به شما می‌گوید که گزاره‌ای که شما در کتاب النکاح دارید پشتیبانی می‌کند از اندیشه‌ای که در کتاب الجهاد است. خود اینها؛ صلاه شما با حج شما، حج شما با حدود شما، حدود شما با نکاح شما تمام اینها با هم ربط دارند و از مجموعه اینها و از نگاه کلان به اینها آن نقشه کلان بدست می‌آید و آن نظام کلان اسلامی به دست می‌آید که زیر نظام آنها نظام‌سازی‌هایی است که در حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و زمینه‌های دیگر قابل طرح است. اما مراحل دستیابی نظری به نظام های دینی و فقهی چیست؟ بنظر می‌رسد باید مراحلی را طی کنیم تا بتوانیم به نظام فقهی و اسلامی برسیم.

## گام نخست: اجتهاد

اولین مرتبه بحث اجتهاد است؛ چرا که ما نیازمند اجتهاد هستیم و بدون اجتهاد نمی‌شود. ابزار اصلی ما برای نظام‌سازی اجتهاد است. اجتهاد با

مبادی کلامی و متأفیزیکی خاص خودش. این را همینجا تاکید می‌کنم تا دوباره لازم نباشد در جای دیگر آن را طرح کنیم. اگرچه اشکالی ندارد اگر دوباره طرح شود اما می‌خواهیم مستغنى بشویم و بگوییم این مستدرک است. اینکه مثلاً بگوییم ما چیزی به نام مکتب داریم، مکتب همان زیربناهای گفتمانی است که بعد بر اساس آن نظام شکل می‌گیرد. ما در واقع آمده‌ایم یک ادغامی در آن انجام داده‌ایم. **اگر ما می‌گوییم** اجتهاد، اجتهاد دارای پیش زمینه‌هایی است. علوم و معارفی هستند که اینها مبادی اجتهاد هستند. خب یکی از مبادی اجتهاد هم مبادی کلامی اجتهاد است که وجود دارد. یا مثلاً من دیدم برخی از بزرگان بحث نظام‌سازی را در این سالها پی‌گیری کردند از این زاویه وارد شدند و به خصوص بحث شهید صدر (رضوان الله علیه) را در نظر داشتند که مثلاً اول تفسیر موضوعی به همان روشهایی که شهید صدر (رضوان الله علیه) مطرح می‌کنند که تفسیر موضوعی استنطاقی باشد. آن روش را پی‌بگیریم، بعد ورود بکنیم به این عرصه. این هم مستدرک است. ما نیازمند این هم نیستیم. چرا؟ چون همچنان که خود مرحوم صدر (رضوان الله علیه) هم تاکید می‌کنند و اصرار دارند، در حقیقت فقهه ما خودش نوعی تفسیر موضوعی است. ایشان به این مساله تصريح می‌کنند و

صفحات متعددی از بحث سنن تاریخی در قرآن‌شان به این مساله تاکید دارد. البته اینکه شما بفرمایید مقداری که الان موجود است؛ یعنی فقه موجود پاسخگو نیست بنده قبول دارم. این باید توسعه و تکامل پیدا کند. اما کلیت همین است و مسیر همین است. لذا ما آمدیم برای آنکه همه‌ی این مسائل را استدراک کرده باشیم، چه آن مكتب و مبادی گفتمانی را، چه بحث تفسیر موضوعی و استنطاقی شهید صدر را، عنوان را اینگونه قرار دادیم:

## گام نخست اجتهاد با مبادی کلامی و متأفیزیکی خاص خودش.

### گام دوم: رویکرد اجتماعی در فقه

گام دوم رویکرد اجتماعی در فقه یا همان فقه اجتماعی است که باز اینجا یک بحث مستوفایی داریم و طبیعتاً ایجا جای طرح آن نیست که ما فرق قائل می‌شویم میان فقه الاجتماع و فقه اجتماعی. ما فقه الاجتماع را به عنوان یکی از فقه‌ها به عنوان قسم فقه السياسة، فقه الثقافة، فقه الاداره، فقه الجهاد و امثال ذلک می‌بینیم، یعنی یکی از فقه‌های مضاف می‌بینیم؛ اما فقه اجتماعی را یک رویکرد می‌بینیم که طبیعتاً در جای خودش باید مطرح بشود و در جاهای دیگر مطرح کردیم. بهر حال این هم مهم است.

به هر حال پس گام اول اجتهاد است و گام دوم داشتن رویکرد اجتماعی در فقه است. فقیهی که مجتهد مسلم است و می خواهد ورود کند به عرصه استنباط، با رویکرد اجتماعی این کار را انجام بدهد که در جای خودش باید مطرح شود.

### گام سوم: فقه مضاف

سومین گام بحث فقه مضاف و اجتماعیات است.<sup>۱</sup> شکل گیری فقه مضاف به اجتماعیات گام سوم است. یعنی باید فقه الاجتماع، فقه الثقافة، فقه الاداره، فقه الاقتصاد، فقه السياسة و امثال ذلک شکل بگیرد. ما در این عرصه‌ها فقه‌های مجزایی داشته باشیم. البته مجزایی که ما می‌گوییم نه

---

<sup>۱</sup>- برای این که نظام‌سازی اتفاق بیفت و فقه حکومتی محقق گردد، باید از فقه مضاف مدد جست. فقه امامیه به طور کلی مضاف بوده است و فقه مطلق نداریم، اما می‌خواهیم مضاف<sup>۲</sup> ایه آن را متفاوت در نظر بگیریم. در کار فقه عبادات، فقه معاملات، فقه عقود و فقه ایقاعات، فقه مضاف با یک تعریف خاص مطرح می‌شود. گویی می‌خواهیم نظامی را به عنوان نظام ارتباطات دینی و اسلامی طراحی کنیم یا نظام حقوقی اسلام و یا نظام اقتصادی اسلام را با همان تعریفی که شهید صدر از مکتب اقتصادی ارائه داده است، مطرح کنیم.

شهید صدر می‌گوید: ما مکتب را طراحی می‌کنیم - ترجمۀ مکتب را برخی با عنوان نظام آورده‌اند که البته تفاوت دارد - و در دل این مکتبی که دین طراحی می‌کن، می‌توان مدل طراحی کرد. وقتی می‌خواهیم - با نظر به این تغییر و تحول در موضوع فقه که فرد به حاکمیت تبدیل می‌شود - نظامی را طراحی کنیم، لازم است تا گرینش‌هایی از ابواب مختلف فقه انجام شود و آن را مضاف<sup>۳</sup> ایه قرار دهیم. / رجوع کنید به یادداشت فقه مضاف؛ بستر تحقیق فقه حکومتی و نظام‌ساز از دکتر سعدی

اینکه ما گرسست ایجاد کنیم مثل تخصصی شدنی که در غرب ایجاد شد. آن نگاه کلان وجود دارد اما در تمام این عرصه‌ها باید گسترش بدھیم و بارور کنیم. در عرصه فقه السیاست یک فقه پروردده، بارور و گسترده‌ای می‌خواهیم. در عرصه فقه الاقتصاد به همین ترتیب و هکذا موارد دیگر. این هم گام سوم است که فقه‌های مضاف به اجتماعیات شکل بگیرد.

#### گام چهارم: نظامسازی فقهی

و گام چهارم نوبت به نظامسازی فقهی می‌رسد. یعنی آنچه که ماده خام نظامسازی فقهی و فقه نظام را آماده می‌کند فقه مضاف به اجتماعیات است که همان ماده خام و نهایی است که حالا از آن می‌شود استفاده کرد برای نظامسازی و فقه نظام که آن را فراهم می‌کند. البته گام‌های دیگری هم هست که از بحث ما خارج می‌شود که بعد از آن بحث تولید علم اسلامی متناسب با نظام فقهی است. مثلا علم اقتصاد متناسب با نظام اقتصادی اسلامی و گام بعدی هم - گام ششم - بحث تمدن‌سازی اسلامی است. اکنون ما به گام پنجم و ششم کاری نداریم و بحث ما تا گام چهارم است. نکته دیگری که سریعاً بگوییم و عبور کنم، مبنای مشروعیت نظام‌های اسلامی و فقهی است که طبیعتاً

مبنای مشروعيتیش همین است که استنباط فقهی از منابع شريعت صورت پذیرد. اما علاوه بر مبنای مشروعيت که اصلاً کسی بگوید نظام‌سازی کار مشروعي است یا خیر؟ می‌گوییم بله. کار مشروعي است و نامشروع نیست. چرا؟ چون استنباط فقهی از منابع شريعت است. اما حالا ما اين کار را كردیم؛ بعد می‌خواهیم ببینیم آیا حجیت عندالعمل دارد؟ یعنی مکلفین و جامعه مکلفین می‌توانند به این عمل بکنند یا نه؟ اینجا بحث حجیت مطرح می‌شود. و مبنای حجیت نظام‌های فقهی برای مکلفین در مقام کاربست پیش می‌آید. خب اینجا باز معرکه آراست و خیلی جای گفتگو دارد که آیا چنین چیزی می‌شود یا نمی‌شود؟ بنظر می‌رسد که در سه مقام باید بحث کرد از مبنای حجیت نظام‌های فقهی برای مکلفین در مقام عمل و کاربست:

۱- مبنای حجیت نظام‌های فقهی پیش از تشکیل حکومت اسلامی

۲- مبنای حجیت نظام‌های فقهی پس از تشکیل حکومت اسلامی

۳- فرجام نظام پس از رحلت فقیه امضا کننده‌ی آن

حالا اگر روزی فقیهی که این نظام را امضا کرده بود از دنیا رفت چه اتفاقی می‌افتد؟ سرنوشت نظام چه می‌شود؟ گمان می‌کنم که با توجه به وقت بسیار محدودی که در اختیار ما بود گزارش خیلی مختصری بود از

بحث نظامسازی فقهی که اجمالاً در این فضاهای بحث مطرح است. البته  
دامنه بحث گسترده است.

## تحلیل نظامسازی فقهی در کتاب اقتصادنا

اما بخش دوم بررسیم به کتاب اقتصادنا. طبیعتاً کتاب اقتصادنا تجربه منحصر به فردی است در عرصه نظامسازی فقهی یعنی در این سطح کار پرورده و پخته‌ای نداریم. کتاب اقتصادنا را شهید صدر علیه الرحمه، نابغه‌ی کم نظیر جهان اسلام و عالم تشیع در سن ۲۷ سالگی منتشر کرده‌اند که اگر به سال شمسی بخواهیم بگوییم ایشان حدوداً ۲۶ ساله بوده‌اند که این کتاب را منتشر کردند. یعنی کی نوشته‌اند و از چند سال قبل؟ گمان می‌کنم زمانی که ایشان کتاب را نوشتند، از اکثر حضار در این جلسه ما جوان‌تر بوده‌اند. اما وقتی انسان این کتاب را مطالعه می‌کند، گمان می‌کند جمعی از مجتهدین که در رده سنی ۵۰ سال به بالا بوده‌اند این کتاب را نوشته‌اند. آنهم نه یک نفر که جمعی از مجتهدین. این که من می‌گوییم ۵۰ سال به جهت اینکه برخی معتقد‌ند که دوره شکوفایی علمی و بازدهی علمی از ۵۰ سالگی به بعد اتفاق می‌افتد. تا قبل از آن می‌گویند کسب است. درسته که ترشحاتی هم هست اما اصل آن برای بعد از ۵۰ سالگی است. به هر تقدیر شاید تالیف این کتاب شگفت‌آور

است. برای نخستین بار در تاریخ اسلام و در میان همه فرق و مذاهب اسلامی توانسته‌اند که نظام اقتصادی اسلام را کشف بکنند. لذا این کتاب صرفاً یک کتاب علمی عمیق نیست که بگوییم کتابی است در کنار سایر کتب. خیر این کار بزرگ را ایشان انجام دادند. اما کار مهم‌تر و بزرگ‌تری که ایشان انجام دادند و شاید زمانی که این کار را خود ایشان انجام می‌دادند به این نکته توجه نداشتند که کار بسیار بزرگی انجام می‌دهند و این برای ما بسیار مهم است، این است که ایشان برای نخستین بار در تاریخ اسلام به صورت فنی نظام‌سازی کردند. یعنی گذشته از بحث نظام‌سازی اقتصادی اسلام اصل نظام‌سازی را ایشان برای ما باز کردند و ما را وارد این فضا کردند به لحاظ فنی که این کار فوق العاده کار بزرگی است و اصلاً کاری به جنبه اقتصادی کار ایشان نداریم. من نمی‌خواهم مقایسه‌ای کرده باشم. بالاخره چند دهه از انتشار این کتاب گذشته و تا الان هنوز ما کتابی به قوت و اتقان کتاب ایشان که روی دست کتاب ایشان باشد و مسیر تازه‌تری را باز کرده باشد این حقیر سراغ ندارم که در عرصه اقتصاد یا سایر عرصه‌ها ورود کرده باشد. کاری فوق العاده ارزشمند و بزرگی است. من اگر بخواهم یک معرفی محتوایی به اجمال و اختصار داشته باشم از این کتاب، باید عرض کنم که این کتاب در دو جلد تدوین شده است ویرایش نخست کتاب سال ۱۳۸۱

هجری قمری و ۱۹۶۱ میلادی بوده که در نجف اشرف چاپ شده است.

یعنی سال ۱۳۴۹ شمسی ویرایش نخست بوده است. اما با یک فاصله زمانی حدوداً هفت ساله ویرایش دوم و چاپ دوم انجام شده است که در بیروت صورت گرفته است و بعد هم چاپ سوم و اینها که انتشارات دارالفکر آن را چاپ کرده است. اصل کتاب دو جلدی هست، اگر چه معمولاً گاهی می‌بینید ۱ جلدی است، صحافی بدین صورت انجام شده است. جلد اول اقتصادنا به بررسی و نقد مکاتب و نظام‌های مارکسیستی و کاپیتانیستی یعنی سرمایه سالاری در تطبیق با مکتب اقتصادی اسلامی می‌پردازد. همچنین در جلد اول، ساختار عام (به قول ایشان الهیکل العام) و چارچوب کلی اقتصاد اسلامی و چیستی و ماهیت آن معرفی می‌شود. در جلد دوم شهید صدر(رضصوان الله علیه) به طور جدی تری به سراغ محتوای اقتصاد اسلامی می‌رود و مبتنی بر باوری که به وجود انسجام و ربط منطقی میان احکام شریعت دارد تلاش می‌کند با نگاهی منظومه‌ای و نظاممند به احکام استنباط شده‌ی فقهی به مثابه‌ی روبنا مکتب اقتصاد اسلام را به عنوان زیربنا کشف و استنباط بکند. به همین جهت در جلد دوم از کتاب اقتصادنا ایشان ابتدا فرآیند دستیابی به مکتب اقتصادی را مطرح می‌کنند تا روش علمی خودشان را روشن کرده باشند. بعد هم با استفاده

از آن روش نظریه‌های اقتصادی را کشف می‌کنند و رویاهای اقتصاد اسلامی را بنا می‌کنند.

### نظریه پردازی در حوزه اقتصاد اسلامی

ایشان در این کتاب در جلد دوم به سه نظریه در اقتصاد اسلامی می‌پردازد:

- ۱- نظریه التوزیع ما قبل الانتاج: نظریه‌ی توزیع پیش از تولید
- ۲- نظریه التوزیع ما بعد الانتاج: نظریه‌ی توزیع پس از تولید
- ۳- نظریه الانتاج: نظریه تولید را ایشان بحث می‌کند.
- ۴- در بخش پایانی کتاب هم بحث مهمی با عنوان مسئولیت الدولت فی الاقتصاد الاسلامی مطرح می‌کند.

از جمله مطالبی که در این قسمت بیان می‌شود نظریه منطقه الفراغ یا محدوده و منطقه خالی از حکم الزامی در محدوده اسلامی است<sup>۱</sup>. گرچه ایشان در بخش‌های دیگر کتاب هم از جمله در همین اوایل جلد دوم بحث منطقه الفراغ را پیش می‌کشد اما در آنجا تحت عنوان خاص و مستقلی و به صورت مفصل‌تر منطقه

---

<sup>۱</sup>- نظریه «منطقه الفراغ» را شهید صدر (رضوان الله علیه) مطرح کرده است. وی در این نظریه می‌کوشد، حوزه‌ای معین از روابط متغیر و متتحول را تعریف کند که ولی امر می‌تواند با توجه به اصول و ضوابطی در آن قانون‌گذاری کند.

الفراغ را طرح می‌کند. در انتها هم ملاحق و پیوست‌های فقهی به وسیله ایشان اضافه شده است. این یک نگاه کلی به کتاب اقتصادنا است. وقتی می‌گوییم کتاب اقتصادنا گمان نرود که فقط از نگاه شهید صدر نظام‌سازی در این کتاب مطرح شده است. نه اینگونه نیست؛ اما مهم‌ترین این است. لکن منبع دیگر برای مطالعه در این زمینه المدرسه اسلامیه است که ایشان در آنجا نیز به این بحث به صورت مفصل پرداخته‌اند.

### نظام‌سازی در کتاب فلسفتنا

شاره‌ی به بحث نظام‌سازی را در کتاب فلسفتنا و در مقدمه این کتاب دارند و در جاهای دیگر هم هست اما به هر حال اقتصادنا تجلی اتم و اکمل آن است. اما اصطلاح نظام برخی گفته‌اند شهید صدر(رضوان الله عليه) از اصطلاح نظام استفاده نکرده است و چیز دیگری مد نظر ایشان بوده است. اولین کتابی که شهید صدر (رضوان الله عليه) به صراحة در آن از نظام و نظمات اجتماعی سخن می‌گوید کتاب فلسفتنا است. آنجا ایشان در ابتداء می‌فرماید : **تمهید المسئله الاجتماعیه مشکله العالم**

و هی مشکله النظام الاجتماعی.<sup>۱</sup> از همانجا ایشان بحث نظام اجتماعی را مطرح می‌کند و بعد می‌فرماید: ما هو النظام الذي يصلح الانسانيه؟ نظامی که صلاحیت برای انسان داشته باشد چیست؟ در صفحه بعد ایشان می‌فرماید: مذاهب اجتماعی به چهار گروه اصلی تقسیم می‌گرددند:

الاول: النظام الديموقراطي الرأس مالي (نظام اجتماعی سرمایه‌داری)  
الثانی: النظام الاشتراكيه (سوسيالیسم) الثالث: النظام الشيوعي  
(مارکسیسم و کمونیسم) و الرابع: نظام الاسلامی که نظام اسلامی را در اینجا مطرح می‌کند.<sup>۲</sup> در همین عبارات می‌بینید که تعبیر شهید صدر (رضوان الله عليه) از نظام و مذهب تقریباً شبیه به هم است. سروران می‌دانند که تعبیر مذهب در معنای مكتب به کار می‌رود؛ وقتی می‌گویند مذهب اقتصادی یعنی مكتب اقتصادی. تقریباً به این معنا ما ترجمه می‌کنیم در فارسی. منتها ایشان در جاهایی کلمه مذهب را به کار می‌برند و در جاهای دیگر کلمه نظام را بعنوان بدیل و جانشین آن

<sup>۱</sup>- فلسفتنا، ص ۱۱

<sup>۲</sup>- ان أهم المذاهب الاجتماعية التي تسود الذهنية الانسانية العامة اليوم، ويقوم بينها الصراع الفكري أو السياسي على اختلاف مدى وجودها الاجتماعي في حياة الإنسان هي مذاهب أربعة ۱- النظام الديمocratic الرأسمالي ۲- النظام الاشتراكي ۳- النظام الشيوعي ۴- النظام الاسلامي. / فلسفتنا،

بکار می‌برند. در کتاب اقتصادنا که نظام اقتصادی اسلام را بحث کرده‌اند ایشان دائمًا در یک مکتب سخن می‌گویند و تکرار می‌کنند "المذهب الاقتصادي" کلمه نظام را هم به کار می‌برند و تعریف هم ارائه می‌کنند ولی بیشتر تعبیر مذهب اقتصادی است اما در حقیقت منظور ایشان شامل نظام هم می‌شود. تعبیر ایشان در رابطه با نظام این است: یتکفل النظام الاجتماعي تنظيم الحياة الاجتماعية که در اقتصادنا آمده است.<sup>۱</sup> یعنی **نظام اجتماعی متکفل سامان بخشی** به زندگی اجتماعی است. باز در جای دیگر می‌فرماید النظام الاجتماعي هو النظام الذي يحدد العلاقات بين الأفراد المجتمع. نظام اجتماعی آن نظامی است که روابط بین افراد جامعه را تعیین و مشخص می‌کند. باز در جای دیگر، باز نظام اجتماعی را تعریف می‌کند. اینها مواردی از کاربرد کلمه نظام اجتماعی در عبارات شهید صدر (رضوان الله عليه) و تعریف ایشان از نظام اجتماعی بود. اما در موارد دیگر

<sup>۱</sup>- و لتأخذ الآن الشروط الأولى؛ فمن القول الشائع: أن الإنسان لا يستطيع أن يدرك التنظيم الاجتماعي الذي يكفل له كل مصالحة الاجتماعية، و ينسجم مع طبيعته و تركيبة العام، لأنه أعجز ما يكون عن استيعاب الموقف الاجتماعي بكل خصائصه، و الطبيعة الإنسانية بكل محتواها. و يخلص أصحاب هذا القول إلى نتيجة، هي: أن النظام الاجتماعي يجب أن يوضع للإنسانية، و لا يمكن أن تترك الإنسانية لتضع بنفسها النظام، ما دامت معرفتها محدودة، و شروطها الفكرية عاجزة عن استكناه أسرار المسألة الاجتماعية كلها/. اقتصادنا، ص ۲۸۸

معمولًا ایشان از همان تعبیر مذهب یا مکتب استفاده می کنند. همچنان که در فلسفتنا ملاحظه فرمودید کلمه مذهب و نظام را بعنوان بدیل و جایگزین همدیگر به کار بردنند. شاید به عقیده برخی از نویسنده‌گان و شاگردان شهید صدر (رضوان الله عليه) ، طریق جمع میان عبارات شهید صدر (رضوان الله عليه) اینگونه باشد که ایشان هر وقت به مبانی و جنبه تئوریک نظر دارند کلامشان به سمت مکتب گرایش می کند و هرگاه به سمت عملی و جنبه عملیاتی این اندیشه ها نظر دارند سخنرانی به سمت نظام گرایش پیدا می کند. این شاید بتوان گفت طریق جمعی میان عبارات است. به هر حال دیدگاه ایشان در رابطه با مکتب اینگونه است: روشی که نظام آن را در قالب قوانین و مقررات قابل اجرا ترجمه می کند. یعنی نظام را ترجمه مکتب می دارد متنها به زیان عملیاتی و اجرایی مکتب است. براساس این دیدگاه می توان گفت مکتب و نظام دو روی یک سکه و دو وجهه از یک عمل هستند. مکتب جنبه اجمالي دارد و نظام جنبه‌ی تفصیلی دارد. در بحث اینکه نظام اسلامی "یافت" یا "ساخت"؟ یعنی ما با ساخت نظام اسلامی مواجه هستیم یا با کشف آن؟

## نظامسازی در کلام شهید صدر(رضوان الله عليه)

شهید صدر (رضوان الله عليه) همه جا از تعبیر استکشاف سخن می‌گویند. یعنی نظامسازی به این تعبیری که ما به کار می‌بریم را ایشان به کار نمی‌برند. اگر نظام را به معنای نزدیک به مکتب درنظر بگیریم چه بسا تعبیر کشف برای نظام اسلامی دقیق‌تر و صحص‌تر باشد. ما مکتب را کشف می‌کنیم. اما اگر منظور از نظام، ساختار و چارچوبی که متضمن روش عملیاتی کردن مکتب با توجه به مقتضیات زمان و مکان است می‌توان بی‌هیچ دغدغه از نظامسازی و نظامپردازی فقهی و اسلامی سخن گفت. ما نظام را می‌سازیم. یعنی در عصر حاضر با توجه به مقتضیات خاص زمان و مکان ما یک نظامی به نام نظام مردم سالاری دینی را می‌سازیم؛ اما بر اساس همان مکتب و بر مبنای مکتب. ممکن است صد سال دیگر نظام سیاسی‌ای که ما پیشنهاد بکنیم چیز دیگری باشد. اصل و اساس و ریشه یکی است چون زیربنا یکی است. اما با توجه به مقتضیات زمان و مکان طبعاً تفاوت‌هایی میان اینها بروز خواهد کرد. نکته دیگر این است که روش شهید صدر در کشف نظام یا مکتب، به طور خلاصه این است: "حرکت از روبنا به زیربنا" بر اساس نگاه شهید صدر، مهم‌ترین منبعی که به طور مثال در همان عرصه اقتصاد محقق اقتصاد اسلامی از آن بهره‌مند می‌شود، قانون مدنی و

احکام فقهی است. ابتدا فتاوی لازم از احکام جمع‌آوری می‌شود، سپس بعد از جمع بندی آنها می‌توان قواعد عامه مکتب اقتصادی را استخراج کرد. نظام حقوقی مورد مطالعه به عنوان روینا و فرع و قواعد بدست آمده اصل و زیربنا می‌باشتند. نکته دیگر این است که انتظار فقهی مورد استفاده لزوما استنباط خود مولف نیستند و گاهی ممکن است از نظریه فقهی مغایر با نظر فقهی خود فرد هم استفاده شده باشد. البته باستی مستند به روش فقاhtی و نتیجه اجتهاد یکی از فقهیان باشد. باز ایشان تصریح می‌کنند در اقتصادنا که مطالعه و بررسی قوانین و احکام مدنی جهت وصول به مکتب اقتصادی نباید کار را جداگانه و بدون در نظر گرفتن ارتباطشان با یکدیگر در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد. زیرا هدف از مطالعه آنها کشف قواعد عام مکتب اقتصادی است. بنابراین فقط از جمع بندی و ترکیب احکام می‌توان به چنین قواعدی دست یافت. نکته دیگری که اشاره می‌کنم استفاده از آراء و نظریات فقهی دیگران است. همانطور که اشاره کردیم شهید صدر (رضوان الله علیه) معتقد بودند در صورتی که یک مجتهد نتواند با فتاوی خودش مبانی مکتب را به طور کامل کشف بکند و فتاوی شخص او نظام منسجم را نتیجه ندهد و در میان آن عناصر ناسازگاری وجود داشته

باشد، این فرد می‌تواند از فتاوای مجتهدین دیگر که مکمل فتاوای خود اوست و به کشف نظام کمک می‌کند تمسک بکند. یعنی لازم نیست فقیه نظام ساز فقط به فتاوای خودش اکتفا بکند و از دیگران نیز می‌تواند استفاده کند. جالب این است که ایشان در ویرایش نخست کتابشان تنها از آرا و انظرافقهای شیعه استفاده می‌کنند اما در ویرایش بعدی که همین ویرایشی است که الان هم در اختیار ما هست حتی ایشون از فقهاء اهل سنت هم استفاده کرده‌اند.

جالب است که ایشان اینقدر باز می‌بینند. به این بحث ایشان اشکالات متعددی وارد است البته بنده قصد ورود به این اشکالات را ندارم. اگر به خود کتاب اقتصادنا بتوان اشکالاتی وارد کرد، کما اینکه وارد کرده‌اند برای مثال همین نظریه منطقه الفراغ خالی از اشکال نیست از جهات مختلف. یکی از اشکالاتی که شاید به ذهن انسان خطور بکند تنافی و تضادی است که میان نظریه منطقه الفراغ و نظریه ولایت مطلقه فقیه وجود دارد. چون ایشان منطقه الفراغ را فقط در چارچوب مهارات می‌دانند و می‌گویند هر جا که احکام الزامی از طرف شریعت نبود حرام و واجبی از طرف شارع نبود، آنجاست که دست فقیه و حکومت اسلامی باز است برای تشریع و قانون گزاری. نظریه ولایت مطلقه فقیه آن چنان که مرحوم

امام (رضوان الله تعالى عليه) مطرح فرمودند و فقهای دیگر مطرح کردند اینگونه نیست. حتی در عرصه‌ای که ما الزامات قطعی شرعی هم داریم از جانب شارع، به تصریح آمده به نصوصیه آمده که آنجاها هم دست فقیه باز است. ولایت مطلقه فقیه می‌گوید دست فقیه برای پیشبرد امت اسلامی در راستای اهداف اسلامی و الهی باز است.<sup>۱</sup> شما عبارات مرحوم امام را ببینید که این مساله را به صراحة مطرح می‌کند و خیلی جاها می‌گوید آقایان نفهمیده‌اند ولایت فقیه چیست! این با آن نمی‌سازد. این که ناسازگاری از کجا است؟ ما این را در جای دیگری بحث کردیم و چاپ هم شده این مطلب و حالا عزیزانی که بخواهند می‌توانند ببینند اما آنجا گفته‌ایم که نظریه سیاسی شهید صدر سه دوره دارد و سه مرحله دارد. در مرحله نخست ایشان ولایت فقیه را خیلی گسترده نمی‌دیده و محدود می‌دیده است و این کتاب اقتصادنا مربوط به آن مرحله از زندگی ایشان است که ایشان ولایت فقیه را مطلقه نمیدیده و مضيقه و محدود می‌دیده است. در مرحله دوم ایشان قائل به نظریه ولایت فقیه می‌شود به شکل گسترده با توجه به نظریه تعویض که در رجال ایشان قائل می‌شود و

---

<sup>۱</sup> - مقصود از «ولایت مطلقه فقیه» آن است که دایره اختیارات ولی فقیه محدود به احکام اولی و ثانوی و قوانین مدون نیست؛ بلکه هرگاه مصالح عالیه و الزامی جامعه اسلامی ایجاب کند که موقتا برنامه‌ای برخلاف آنها انجام شود، ولیفقیه می‌تواند به آن کار اقدام نماید.

مشکل سندی را حل می‌کند و بعد با این به نظریه ولایت مطلقه فقیه به همین گسترده‌گی می‌رسد و در دوره سوم ایشان نظریه شورا را هم به این ضمیمه می‌کنند که چیزی نزدیک به همین مردم سالاری دینی می‌شود. شاگردان معظم ایشان هم همین دیدگاه را دارند که آثار بیانی و مکتوب ایشان نیز در همین فضاست و فضای مردم سالاری دینی که مرحوم امام طرح کردند و رهبری ادامه دهنده این راه بودند. به هر تقدیر این مساله منطقه الفراغ یا بحث علم دینی که ایشان مطرح می‌کنند؛ ایشان معتقد است علم دینی و علم اسلامی علمی است که فقط به درد جامعه اسلامی می‌خورد. یکی از اشکالاتی که به ایشان وارد شده (فارغ از اینکه این اشکال وارد است یا خیر) اما به هر حال یکی از اشکالاتی که وارد شده این است که علم اگر علم است باید بتواند بشر را اداره کند. با توجه به آن داعیه داری اسلام که داعیه حکومت جهانی دارد. لذا بحث‌هایی از این قبیل که می‌توان وارد کرد. اما مشکل جدی‌تر در بحث ایشان، بحث حجیت است. اگر مبنای عمل قرار دادن یک نظام فقهی که بر اساس رای یک فقیه ساخته شده برای مقلدین فقهای دیگر با مشکل حجیت مواجه است؛ یعنی مقلدین مراجع دیگر می‌گویند به ما چه ربطی دارد که فلان فقیه فلان نظام‌سازی را انجام داده است؟ ما که از او تقلید نمی‌کنیم. پس

نظر او برای ما حجتی ندارد! اگر یک فقیه نظامسازی کند چنین مشکلی پیش می‌آید، نظامسازی بر مبنای آراء و نظرات مختلف، اعم از حی و میت، ایشان از نظرات شیخ طوسی و علامه حلی استفاده می‌کند و خیلی شرایط مشکل‌تر است و بحث حجت در مورد آن سخت‌تر و سنگین‌تر به نظر می‌رسد. حالا شما بباید بهره‌گیری از آرای مذاهب اهل سنت را نیز به این اضافه کنید که ما شاءالله حل مشکل حجت به مراتب مشکل‌تر و دشوار‌تر می‌شود. چه بسا یکی از ادله اعتبار بخش بحث شهید صدر (رضوان الله عليه) بحث انسداد باب علم و علمی در عرصه نظامسازی باشد. که باز این امر هم اگر بعنوان یک دلیل و مستمسک ارائه و ادعا بشود جدأ قابل تأمل خواهد بود و پذیرش آن دشواری‌های زیادی دارد. استاد معظم ما حضرت آیت الله سید کاظم حائری (دام ظله) که بعنوان یکی از افضل و اعلم تلامذه مرحوم صدر (رضوان الله عليه) از ایشان یاد بکنیم، می‌فرمودند من خودم به شهید صدر (رضوان الله عليه) همین نکته را عرض کردم. گفتم شما بعضی از فتاوی دیگران را که خود شما آنها را قبول ندارید با برخی فتاوی خودتان جمع کردید و در کنار هم قرار دادید. آن وقت قدر مشترک و جامع از آنها قرار دادید و زیربنای را کشف کردید. این کار شما چه حجت و اثری دارد؟ و چه ثمره‌ای بر آن

مترتب است؟ اگر هیچ اثری در عمل خارجی ما ندارد پس چرا این زحمت را بکشیم؟ و اگر اثری در عمل خارجی ما دارد به چه دلیل حجت است؟ آیت الله حائری(دام ظله) نقل کردند که استاد ما مرحوم صدر (رضوان الله علیه) می فرمودند: **نظر من این است که ما چیزی که نسبتاً معتمد و منسجم باشد را ارائه می‌دهیم** و یک کتاب اقتصادنا (نه همین اقتصادنا خاص) می‌نویسیم و ممکن است کسی هم به نحو دیگری عمل کند و کتابی به نام اقتصادنا بنویسد که می‌شود چند کتاب اقتصادنا که تا حدی با روش و کتاب ما فرق کند. آنگاه ولی فقیه هر دو را ملاحظه می‌کند و هر کدام را پسندید به عنوان ولايت اجرا می‌کند. یعنی ایشان مشکل حجت را با بحث ولايت فقیه حل می‌کنند و این دو نظر را با هم جمع می‌کنند تا به نتیجه برسند.

**نقد ارائه بحث: حجت الاسلام و المسلمين علوی**  
اعوذ بالله من الشیطان اللعین الرجیم بسم الله الرحمن الرحيم...

### کلیات بحث

بنده حقیر برای ورود به مساله فقه النظريات طرح يك خاطره علمي را مبدأ کار خود قرار می‌دهم. چند سالی پیش به مناسبت مطالعه و

نتیجه کار شورای نگهبان قانون اساسی که مطابق دستور مقام معظم رهبری (حفظه الله) بنا بود برای استفاده عمومی کاربردی شود، بنده این سلسله جلسات را در مورد قوانین مختلف مطالعه می‌کردم و بنا بود گروهی که این مطلب را تنقیه می‌کنند برای ویرایش نهایی تحریر کمترین هم مطالعه کنم و نظر بدهم. اولین بار من آراء مرتبط با حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهروdi (دام ظله) را در آن سلسله جلسات و گفتگوهای شورای نگهبان قانون اساسی مطالعه کردم. البته بعدا مجموعه‌ای که همین دائره المعارف چاپ کردند، قرائات فقهیه المعاصره از آراء ایشان مفصل تر بحث را باز کردند و بعد منجر شد به صورت خاص به مطالعه آراء و روش‌شناسی شهید صدر در حوزه فقه النظريات. آنجا من خيلي واضح در گفتگوهای علمی‌ای که بين حقوق دانان قانون اساسی و آقایان حجج و آيات اسلام در خصوص مساله‌ی قانون اسلامی و کيفيت قانون اسلام به عنوان نمودار نهایی مسائل دنيای اسلام مشاهده می‌شد، خيلي خوب تفاوت نگاهی کسی که از يك نظریه منسجم دفاع می‌کند را با آراء پراکنده نگاه می‌کردم و اين قضيه را فهم می‌کردم. اين مقدمه را قراردادم برای اينکه فقه النظريات در حقیقت مادر نظام‌سازی فقهی است. نظام‌سازی فقهی از روش‌های ديگری هم که برخی از فقهاء معاصر و

اندیشمندان حوزه فکر اسلامی خصوصا بعد از انقلاب و بیشتر بعد از انقلاب به آن پرداختند، ممکن است. و صرفا فقه النظریات نظام‌سازی اسلامی نیست و در واقعیت نظام‌سازی اسلامی در نگاه شهید صدر برخواسته از فقه النظریات است. همینجا بهتر است من کلامم را چند بخش بکنم. یکی چیستی در فقه النظریات که مساله اصلی این است که ما یک فهم موضوعی دقیق از فقه النظریات پیدا بکنیم و دو متداول‌وزی و روش‌شناسی در مساله فقه النظریات است. چگونه؟ و بعد ایراداتی که به این مساله وارد شده است که آیا این امکان دارد یا خیر؟ همانطور که استاد عزیز جناب آقای ملک زاده فرمودند، اقتصادنا دو ساحت دارد و هر دو ساحت از اهمیتی فوق العاده برخوردار است. نویسنده‌ای جوان که خوش فکری خاصی دارد که شاید برخواسته از یک خاندان اصیل اسلامی است را به منصه حضور می‌گذارد تحت عنوان اقتصادنا. که هم در موضوع بی همتاست به این شکل و در آن زمان. و هم در روش بی همتاست. شما نهال‌های معرفت شناسی که در نگاه شهید صدر (رضوان الله علیه) در این کتاب مطرح شده را ببینید چقدر اشتغال ذهنی بعد از خودش ساخته است: منطقه الفراغ، فقه النظریات، مباحث نظر شناسی و مباحث معرفت شناسی گسترده‌ای که در این کتاب است. من وقتی برای اولین بار کتاب اقتصادنا را مطالعه کردم،

خب این بر می‌گردد به دوران نوجوانی که ترجمه‌ای از این کتاب منتشر شده بود که ترجمه خیلی رسانی هم نبود؛ ترجمه اقتصادنا، یه سری اغلاط فنی درشان است. اما وقتی خودم این کتاب را می‌خواندم برای خودم عنوان یک طلبه نوپا در آن وقت بیشتر از موضوع کتاب، روش‌شناسی ارائه شده در موضوع از اهمیت برخوردار بود. کسی که به موضوع جدیدی در فقه پرداخته است. می‌دانید اصلاً پرداختن به فقه النظیرات و نظام‌سازی فقهی و امثال‌هم دو ضرورت کلی بیشتر برش نگفته‌اند. یکی ضرورت جهانی آن است. بالاخره در بین اندیشه‌های متنوعی که در ساحت فکر بشری وجود دارد، ما هم به عنوان مکتبی که داعیه فکر جهانی و جهان شمولی داریم در قوانین خودمان بالاخره باید حرفی داشته باشیم و یکی هم در ساحت مقدس نظام جمهوری اسلامی است که ما بالاخره الان در ساحت این نظام که شما ادعای حکومت اسلامی دارید - می‌دانید تعاریفی که از حکومت اسلامی شده متعدد است، برخی گفته‌اند همین که مسلمانان حکومت تشکیل بدنهند حکومت اسلامی است، برای مثال با این قرائت حکومت ترکیه نیز حکومت اسلامی است. - ولی خب مستحضر هستید عمیق ترین فکر در حوزه حکومت اسلامی این است که تئوری حاکم و احکام هر دو بر ساخته از شریعت باشد و در واقعیت

داعیه‌دار اصلی حکومت اسلامی و در واقعیت بنیان گذار این اندیشه (مرحوم حضرت امام رضوان الله علیه) این را می‌بینید که امام قائل به این بود که هر دو اندیشه احکام و حاکم هر دو باید بر ساخته از اسلام باشد و بزرگترین هنر شهید صدر(رضوان الله علیه) فتح بابی است که در این دو ضرورت کرده است. اینکه می‌تواند هم به لحاظ جهانی هم به لحاظ داخلی سوالات متعددی را پاسخ دهد. انتقادی که برخی به شهید صدر کرده‌اند در این حوزه که صرفاً مربوط به کتاب اقتصادنا و احکام و مسائلی که مطرح شده است برای حکومت اسلامی است.

نگاه شهید صدر(رضوان الله علیه) در مورد حکومت و نظام‌سازی فقهی در نگاه شهید صدر(رضوان الله علیه) غایت جهانی حکومت اسلامی است. فکر نکنید این ضعف فکر شهید صدر (رضوان الله علیه) است که ایشان فکر می‌کرده‌اند که احکام ما مرتبط با خودمان است و احکام دیگران مرتبط به خودشان. نه! اتفاقاً این همان جهان شمولی اسلامی است که غایتش تاسیس حکومت جهانی صالحان است در آرای او. اما فقه النظریات چیست؟ در آراء و کلمات شهید صدر فقه النظریات

وجود ندارد. بنظر می‌رسد این تأسیس از برخی از تلامیذ ایشان است و برخی از حقوق دانانی که در غرب مطالعه کرده‌اند و اولاً حقوقدانانی که در غرب و دنیای عرب مطالعه کرده‌اند این کلمه را تأسیس کرده‌اند به لحاظ ریشه‌شناسی مسئله اگر بخواهیم. البته این کلمه به شدت رهزن است. مستحضر هستید نظریه علمی اگر شما به تاریخ علم مراجعه بکنید نظریه علمی به ساختارهای منطقی غیر تجربی که هنوز تجربه نشده‌اند می‌گوییم نظریه علمی و می‌دانید این با تعریف مرسوم دانش از نگاه اسلامی متفاوت است. فقط می‌خواهم ساختار را به این سمت بگردانم که ما فکر نکنیم آن چیزی که به آن نظریه علمی می‌گوییم.<sup>۱</sup> در واقعیت ارتباطی با مساله نظریه فقهی یا فقه النظریه یا فقه النظریات دارند. ترکیب جدایی است که ارتباطش را سر جای خودش که مجال کلام باشد می‌گوییم. در واقعیت فقه النظریه نوعی ارتقای ساختارهای سنتی در موضوع و روش است. بعضی‌ها خواسته‌اند بگویند که شهید صدر باب جدیدی در اجتهداد، در روش‌شناسی اجتهداد باز کرد. نه شهید صدر تمام قد قائل به همان روش‌شناسی سنتی در اجتهداد فقهی بود و مبارزات علمی ایشان فقط راهگشاپی در برخی از جنبه‌های مغفول و مسکوت فقه شیعه

---

<sup>۱</sup>- Science Theory

بود و از آراء و سخنان ایشان هم چیزی بر نمی‌آید که ایشان بخواهند فقهه دیگری بسازند یا اجتهاد دیگری بسازند. چه اتفاقی افتاده بود که ذهن شهید صدر را به خودش معطوف کرده بود؟ **شما اگر به آراء از قدمای فقه ما و حکماء در فکر اسلامی نگاه بکنید، تفکیکی به عنوان کلام و اخلاق و فقه و امثالهم نمی‌بینید.** صرفاً دوران فقه حدیثی است و صرفاً همه اینها باهم است و یک دسته بندی موضوعی است. بعداً با متراکم شدن و حجم شدن نظرات فقهی در ابواب مورد نیاز که غالباً هم معطوف به حوزه‌ی فردی بود، ابواب فقهی تاسیس شد مثل فقه الصلاه. و ما بیشتر از آنکه به فقه اصیل، استنباط مستقیم آراء از ادله و منابع شرعی پردازیم، رفیم به طرح استدلال‌های حاکم در بحث. همین الان در قم شما اگر نگاه بکنید آقایانی که از مراجع بزرگ تقليد، صاحب کرسی تدریس هستند هم، اگر چه روش‌ها متفاوت است اما غالباً مراجع بزرگوار فقط می‌پردازنند به طرح نظرات گذشتگان، برخی از آقایان از حدیث بحث می‌کنند و منابع خیلی هم فاصله ندارد اما علت تاسیس برخی از کتب فقهی و ابحاث فقهی در این است. این موضوع در دوران شهید صدر با این مشکل رو به رو بود که این ابواب فقهی یک مقوله تاریخ زندگی مسلمانان است و یک مقوله‌ی اصیل در نظریه‌پردازی

نیست و این باید در واقعیت ارتقای پیدا کند و فقه النظریات ایشان فقط پاسخی بود به شکستن این تراکم استدلالی در بحث های خاص، باز کردن موضوعات جدید در حوزه فقهی و بعدا نظامسازی فقهی. بینید نظامسازی فقهی در آرای این دو فقه بزرگواری که امروز آراءشان را به لحاظ روش شناسی بحث می کنیم اینگونه است : در یک موضوع خاص از نظریه پردازی، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، کارکردهای اجتماعی، نهادهای اجتماعی و... که وقتی همه اینها مبتنی بر ارزش های هنجاری اسلامی شد، این تاسیس نظام اسلامی است. وقتی شما بانکی داشته باشید که رفتار مشتری شما مبتنی بر ارزش های هنجاری است، اخلاق حاکم بر روابط در این بانک مبتنی بر اخلاق اسلامی است. تاسیس نهادهایی که در این بانک است مبتنی بر اسلام است. برخی از آرای شهید صدر (رضوان الله عليه) خیلی مغفول مانده است در صورتی که مطالب فوق العاده مهمی در آن کتاب است. من اهمیت برخی از کتابهای شهید صدر (رضوان الله عليه) که الان حتی چاپش در داخل انعام نمی شود یا حتی برخی از آنها در موسوعه نیامده تا جایی که من نگاه کردم، اهمیتی کمتر از اقتصادنا ندارند. هر چند ما به لحاظ نیاز مستقیماً به سراغ اقتصادنا یا فلسفتنا رفتیم، ولی واقعیت این است که ما کمکاری کردیم در شناخت آراء. اما وقتی

که شما چنین بانکی داشتید و در موضوع بانک همه‌ی روابط حاکم، روابط هنجاری اسلامی شد؛ از ساخت نهادها گرفته تا روابط اخلاقی و اجتماعی و امثالهم و فرهنگ حاکم بر بانک فرهنگ اسلامی شد این تاسیس نظام است در حقیقت و نظام صرفا جنبه‌ی ایده پردازی اش به نظام‌سازی تعبیر می‌شود. اما کارکرد و برونداد اجتماعی اش حقیقتی است که دیالکتیک و گفتگوی دائمی بین متن شریعت و متن هنجاری شریعت با ارزش‌های رفتاری جامعه را در حقیقت سامان می‌دهد. این در واقعیت فقه النظریه‌ای است که شهید صدر (رضوان الله عليه) تاسیس کرد تا مسکوتات، مغفولات یا قهقرائیات ابواب فقهی اصلاح شود. شما می‌بینید که در فقه النظریات ایشان قائل به استفاده مسائل کلامی در تاسیس سیاست‌های کلی و خطوط کلی است. ایشان قائل به استفاده از متن تفسیر در تاسیس این متن فقهی است. برای همین برخی گفته‌اند که فقه النظریات با فقه رایج کاملاً متفاوت است. چرا؟ چون می‌گویند شهید صدر (رضوان الله عليه) گفته ما به دنبال خطوط کلی هستیم در فقه النظریات اما در فقه رایج ما دنبال احکام مکلفین هستیم؛ آن احکام کلی متوجه کسی نیست و متوجه کل جامعه است و آنها احکام فردی است پس جداست. باز هم این یک اشتباه در فقه النظریات در نگاه ایشان است

که این را من در مطالبی که حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهروندی در مباحث شورای نگهبانشان می‌فرمودند: اگر توجه فقه به احکام مکلفین به لحاظ فردی باشد، پس این به قیاس اولویت همه‌ی مکلفین در آن جامعه را می‌گیرد و تأسیس شخصیت اجتماعی دولت، شخصیت حقوقی دولت هم تاثیر فوق العاده‌ای در این می‌گذارد.

### روش‌شناسی فقه النظریات

اما روش‌شناسی: چطور می‌توانیم از فقه النظریات استفاده بکنیم؟

فقه النظریات سه عرصه دارد:

۱- عرصه فرضیه‌سازی

۲- عرصه مطالعه و تنقیح احکام همسو

۳- عرصه ارائه نظام‌سازی فقهی.

شما نیاز به یک فرضیه دارید که فرضیه را بگویید یک موضوع جدید یا مساله جدید که شما با آن رو به رو می‌شوید. مثلاً نظر اسلام در رابطه با استفاده از نقود چیست؟ فرض کنید مساله سابقه‌ای هم ندارد. مرحله اول این است که شما فقط فرضیه و پاسخ (ممکن است پاسخ نه سلبی باشد نه ایجابی) دارید. مرحله بعد از اینکه فرضیه شما بر اثر احداث

واقعی شکل گرفت مرحله دوم است؛ اینکه شما بتوانید تمام احکام و آراء مرتبطی که به صورت پراکنده در منابع معتبر، اعم از منابع فقهی و منابع شرعی است را یک جا جمع کنید. شهید صدر در موارد مختلف دقیقا همین کار را می کنند. مثلا ایشان در بحث پول دقیقا همین رفتار را می کنند. از کتاب *الجهاد*، از قدمای در فقه مطلب می آورد تا برخی از مخالفین معاصر خودش به لحاظ فقهی. اینها را جمع می کند و می خواهد به همین ها استناد بکند. یکی از بزرگترین اشکالاتی که مخالفین به فقه النظریات ایشان می گیرند این است که چطور شما به چیزهایی استناد می کنید که خودتان حکم‌ش را قبول ندارید؟ جالب اینجاست شهید صدر (*رضوان الله عليه*) در علوم اسلامی هیچ محدودیتی برای خود قائل نیست. وقتی می خواهد در مورد پول بحث کند، از فقه شاهد مثال می آورد، از تفسیر شاهد مثال می آورد، از کلام و فلسفه شاهد مثال می آورد از حدیث و از قرآن و دست خود را محدود نمی کند. عرض کردم هم فقهی و هم منابع استباطی را مستقیما استفاده می کند. کاری که شهید صدر (*رضوان الله عليه*) در این مرحله می کنند و تاثیرش را شما مستقیماً در مرحله بعدی می بینید. بعده می آید با تنقیح مناط و استفاده از دلالت التزامی، یک خط کلی احداث

می‌کند. همینجا برخی می‌گویند کاری که شهید صدر (رضوان الله علیه) کرده‌اند کار منحصر به فردی نیست. به نوعی استخراج قواعد الفقهیه است - که البته این حرف کامل و درستی نیست - وقتی از تراکم آراء استفاده کرد و به مناطق مشترک رسید، یک خطوط کلی را در اقتصاد و سیاست و مسائلی که مورد نیاز است قرار می‌دهد و بعداً بر اساس این خطوط کلی تفرع می‌کند. این همه‌ی آن متداول‌وزیری‌ای است که در فقه النظیریات حاکم است. بعده ایشان در گوشاهی از کلامشان می‌فرمایند - که در **قراءات الفقهیه** حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (دام ظله) می‌فرمایند: خصوصیتی که این فکر خواهد داشت این است. اولاً شما در آراء سنتی گاهای می‌بینید برخی از تفرعات با نظام و مجموعه فکر اسلامی تطبیق ندارد که شهید صدر (رضوان الله علیه) می‌فرمایند: با این کار هیچ وقت تخطی از نظام اسلامی و اندیشه اسلامی اتفاق نخواهد افتاد.

دومین فایده این است که شما تاسیس حکم و اصل کرده و نظرتان را گفته‌اید. آیا اسلام مالکیت خصوصی را قبول دارد یا ندارد؟ خیلی کار راحت می‌شود، شما کاملاً می‌توانید با روش رایج و مرسوم اجتهاد مابقی مسائل را تفرع و استفاده کنید. استفاده‌های زیادی حاکم است که

اطاله کلام برای بندۀ جایز نیست. بنا بر این جمع بندی می‌کنم مساله را.  
اشکالاتی هم به نظریه ایشان وارد کرده‌اند. به روش‌شناسی فقه النظريات  
۹ اشكال وارد می‌کنند که برخی از آنها را استاد ( حجت الاسلام و  
المسلمین ملک زاده) فرمودند. برخی به شهید صدر این ایراد را وارد  
می‌کنند که کاری که شما می‌کنید چیزی غیر از استحسان نیست و  
کاری که شما می‌کنید غیر از قیاس نیست. ایراد سومی که برخی از  
متجددین به ایشان وارد می‌کنند این است که شما دارید حرف‌های  
غربی را در اسلام مطرح می‌کنید و این دیگر اسلامی نیست. در بحث  
حجیت می‌گویند این حرفهایی که شما می‌زنید حجیتش را چطور  
می‌توانید اثبات کنید؟ سه پاسخ داده شده که اگر بخواهیم بحث کنیم  
بسیار طولانی هستند.

### ریشه نظام‌سازی فقهی

بعضی‌ها خواستند از بابی که خود شهید صدر (رضوان الله عليه) مطرح  
کردند، یعنی از باب انسداد علمی استفاده کنند. بعضی‌ها به سراغ بحث  
استفاده از دلالت استلزمای رفته‌اند و بعضی هم مثل شاگردان  
شهید صدر (رضوان الله عليه) از جمله استاد عزیzman آیت  
الله العظمی هاشمی شاهروodi (دام ظله) رفته‌اند سراغ این

**بحث که در واقعیت از اصالت الظهور مجموعی استفاده**  
بکنند. این هم یک تأسیس فوق العاده در اصول و در فکر است که در  
کتاب بحوث استاد نیز موجود است؛ سعی کردند مرتفع کنند که به نظر  
می‌رسد جامع ترین پاسخ است. بعضی‌ها ایراد تاریخی کردند که در  
سیره‌ی حکومت نبوی و حکومت علوی این خطوط کلی که شما در  
فقه النظريات دنبال می‌کنید موجود نبوده است. این ایراد هم پاسخ داده  
شده است. عرض کردم که ۹ ایراد است که با توجه به ضيق وقتی که  
جلسه دارد من باید وقت بگیرم. ایرادات به نوبه هر کدام پاسخ داده  
شده و البته بنده هم اینها را فراهم کرده بودم که تقدیم بکنم متنهای چون  
زمان کوتاه است ان شا الله سعی می‌کنیم در یک مکتوبی تقدیم کیم.

## **داوری : حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعدی**

بسم الله الرحمن الرحيم ...

بنده به خاطر کمبود وقت و اینکه موضوع محول به بنده طوری نیست که  
بتوانم نظریه‌ای در بحث نظام‌سازی ارائه کنم و علی القاعده باید ناظره  
مباحثی که توسط دوستان ارائه شده بپردازم. عنوان جلسه بحث فقه و  
نظام‌سازی اعلام شده، مباحثی از سوی برادر گرامیمان جناب آقای ملک  
زاده مطرح شد که علی القاعده ایشان چون ارائه دهنده مطلب در این

جلسه هست مباحثت ما باید بیشتر ناظر به این صحبت‌ها باشد. فرصت این جلسه بیشتر به توصیف گرفته شد و در کرسی آزاد اندیشی انتظار این است که آن جاهايی که نیازمند یک آزاد اندیشی است و ابهامات جدی دارد، بتوانیم راه حلی ارائه دهیم و یک گام مطالعات آن حوزه را جلو ببریم. تلقی من این است که بخش عظیمی از مباحث توصیف بود اما در عین حال نکاتی را عرض می‌کنم. در عین اینکه استفاده‌ای که مرحوم شهید صدر(رضوان الله عليه) کرده در اقتصادنا و نظام‌سازی‌ای که در حوزه اقتصاد اسلامی انجام داده است واقع دست آوردنوی در فقه امامیه است. منهجه‌ی که شهید صدر (رضوان الله عليه) و متده که ایشان استفاده کرده‌اند برای تولید این محتوا در فقه امامیه، این هم قابل مطالعه و عرض یابی و توصیف است و هم قابل تحلیل.

### اشکالات واردہ بر فقه النظریات

همین طور که دوستان اشاره کردند اشکالات واقعاً جدی هم از سوی کسانی که در حوزه علوم انسانی ورود می‌کنند - من اجمالاً عرض کنم که در صحبت‌ها مطرح نبود که چرا شهید صدر سراغ آراء پوزیتیویست رفته اما سراغ آرای نو پوزیتیویست‌ها نیامده و آنها را ندیده؟ آیا واقعاً

یک نقدی به اقتصادنا است به روش نظام‌سازی؟ بنده نقدی را نوشته‌ام که مطابق سلیقه‌ی من و بنظر حقیر اینطور می‌رسد که اگر جلو می‌آمدیم می‌توانستیم به یک جمع بندی خوبی برسیم. همین طور که ورود کردند و متشتت البته به فصل دوم هم ورود شد، ما یک تعریفی علی القاعده باید از نظام‌سازی ارائه دهیم. نظام‌سازی یک مکانیزم است. نظام چیست؟ تعریفی که دوستان مطرح کردند از مذهب و مکتبی که در ادبیات شهید صدر (رضوان الله عليه) به کار رفته همین تعبیری هم که از افضل شاگردان ایشان مطرح شد به نظر تعبیر دقیقی هم هست در فرق بین مذهب و مکتب. ببینید در اقتصادنا مذهب اقتصادی را تعریف می‌کند **مُحْمَّد شَهِيد صَدَر** (رضوان الله عليه): **الْمَذْهَبُ الْاَقْتَصَادِيُّ**: هو الطريقة التي يفضل المجتمع اتباعها في حل مشاكله الاقتصاديه.<sup>۱</sup> حالاً چون نظام اقتصادی را صحبت می‌کنند ناظر به نظام اقتصادی تعریف می‌فرمایند. آن منهجه و روشه و راهی را که مجتمع - به عنوان شخصیت حقوقی - در حل مشکلات اقتصادی (حالاً شما بگذارید مشکلات قضایی می‌شود نظام قضایی بگذارید مشکلات سیاسی مشاکله السیاسیه می‌شود نظام‌سازی در حوزه قدرت و حوزه سیاست).

---

<sup>۱</sup> - اقتصادنا، ص ۲۸۸

یعنی آن طریقه‌ای را که برای حل مشکلات استفاده می‌کنند را مذهب می‌گویند. یک کلان نظام داریم و یک خردۀ نظام همان المذاهب اجتماعیه که تعبیرش را هم دوستمنان خوانند که یحدد العلاقات این تعییر درستی است. آن وجهه‌ی کارکردی اش را اگر ما نگاه کنیم در بحث نظام‌سازی و مبنا قرار دهیم، عرض بنده این است که بر روی اصطلاح اگر به توافقی بررسیم آن وقت این سوالات مطرح می‌شود. شهید صدر در اقتصادنا در حوزه‌ی اقتصادنا نظام‌سازی کرده است. مکانیزم استکشاف نظریه چیست؟ شهید صدر(رضوان الله عليه) این کار را در اقتصادنا کرده است. کیفیت استکشاف النظریه. چطور ما می‌توانیم یک نظریه را کشف کنیم؟

آنجا بحث منهجی و روشنی مطرح می‌شود که آیا این منهج استکشاف و کیفیت استکشاف قابل دفاع است یا خیر؟

سوال دوم: چرا شهید صدر (رضوان الله عليه) وقتی سراغ نظام‌سازی می‌رود (با اینکه شهید صدر یک انسان جامع الاطراف است که فلسفتنا دارد، تفسیر دارد و ایشان واقعاً جامع الاطراف است) از فقه سراغ نظام‌سازی می‌رود؟ انتظار این بود که این بحث‌ها مطرح شود و آن وقت این نقدهایی که هست گفتگو شود. من اجمالاً اشاره کنم. گزاره‌های

فقهی گزاره‌های هنجاری است. مرحوم شهید صدر (رضوان الله عليه) از طریق گزاره‌های هنجاری سراغ استکشاف نظریه رفته‌اند و در اقتصادنا فرموده‌اند ما علم اقتصاد اسلامی نداریم مگر اینکه آن فرض جامعه اسلامی باشد که آنجا اقتصاد اسلامی برقرار شود. الان نقد جدی به این مباحث شهید صدر (رضوان الله عليه) مطرح است که شما این گزاره‌های غیر هنجاری و توصیفی را در بقیه علوم اسلامی کنار گذاشته‌اید. علم یعنی چه؟ وقتی می‌گوییم علم اقتصاد، علم یعنی چه؟ علم اقتصاد می‌گوید یک گزاره در این علم داریم که اگر عرضه کالا اضافه شود، با حفظ آن ظرفیت مصرف اگر عرضه بالا رود قیمت پایین می‌آید. به اصطلاح امروزی می‌گویند اگر  $P$  آنگاه  $Q$ . آیا ما همچین گزاره‌ای در فضای اقتصاد اسلامی نداریم؟ چرا شهید صدر (رضوان الله عليه) برای استکشاف اقتصاد اسلامی سراغ این قضایا نرفته‌اند؟ لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء. آیا این گزاره علمی است؟ اگر گزاره‌ی علمی است آنگاه بحث روشنی و منهجی مطرح می‌شود. عرض کردم که باید بر روی روش شناسی صدر متمرکز می‌شدیم. روش علم منظور این است که هر علمی گزاره‌هایی دارد که گزاره مرکب از موضوع و محمول است. آن روشنی که محمول را برای موضوع

اثبات می‌کند روش علم است. با کدام روش ما می‌توانیم این گزاره‌ها را اثبات کنیم؟ آیا روش و منهج جدیدی ارائه کرده‌اند؟

### منهج شهید صدر (رضوان الله عليه) در فقه النظریات

لذا این سوال بنظر من سوال جدی‌ای است که امروز نسبت به روش شهید صدر (رضوان الله عليه) و استکشاف روش‌شناسی آن شهید عزیز می‌بایست پاسخ داده می‌شد. یعنی از توصیف یک قدم این طرف‌تر می‌آمدیم. همین‌جا بحث فقه النظریات را مطرح می‌کنم. آیا شهید صدر برای استکشاف آن نظریه سراغ فقه سنتی فردی رفت‌اند؟ یا باید یک پله آن را ارتقای دهیم و سراغ فقه حکومتی برویم؟ فقه حکومتی اصطلاح دقیق‌تری است. فقه حکومتی چه تفاوتی با فقه فردی دارد؟ این جدای از فقه سیاسی است.

آیا موضوعاً و منهجاً همان فقه فردی است؟ اعتقاد شخصی بنده البته این امروز به نظرم نرسه که حالاً چالشی بشه. من اینها را انتظار داشتم بحث کنیم. اعتقاد بنده اینه که موضوعاً و منهجاً فقه حکومتی متفاوت است. فقه فردی نیست. فقه فردی بیان احکام مکلف حقیقی می‌کند. فقه حکومتی بیان احکام مکلف حقوقی یعنی حکومت. من یک پایان نامه راهنمایی کردم مبنی بر نظریه شهید صدر. حجت خطمنشی‌گذاری و

سیاست‌گذاری بینید خط مشی یه چیزی شیوه تعریفیه که در المذهب الاقتصادی شهید صدر توی اقتصادنا ارائه می دهد و اصلاً منهج، منهج متفاوتیه که حالا به بخشی از آن اشاره شده که من در پایان عرائض عرض می کنم. خب اگر با فقه احکام ما به نظام سازی نمی‌رسیم نیاز داریم به طراحی فقه النظریه و موضوعاً و منهجاً متفاوته اون فقه النظریه کجا شکل می‌گیرد؟ چگونه شکل می‌گیرد؟ موضوعاتش چگونه شکل می‌گیرد؟ یعنی تمایز فقه حکومتی و فقه فردی باید روش بشود.

در فرمایش بزرگواران دو مطلب بود. ما اینجا دنبال مدل نیستیم. سراغ مدل نمی‌ریم و بنده هم معتقدم که نباید سراغ مدل برویم.

از اینا که بیاییم بیرون تو منهج من یه اشاره‌ای توی پرانتر بکنم. بینید شهید صدر (رضوان الله علیه) می‌گوید ما سنداً و دلالتاً این روایات تمام است. که کسی احیا کند مواتی را، فهو له. خب این نه سندش گیر دارد نه دلالتش. خب اگر آمد مثلاً المسائل الحدیثه مثلاً تراکتوری را الان ما تولید کردیم که اگه بعد از ظهر غروب میاد قم. همه اینا رو دورشون تحجیر کرده یا خط کشیده و بنحوی احیا کرده و اینها. خب چرا شما وقتی سراغ این نصوص مبین احکام می‌روید برای استکشاف نظریه

اقتصادی اسلامی چه اتفاقی می‌افتد که خروجی اجتهاد متفاوت است؟

اینجا یه بحث دقیقی که مغفول ماند در بحث روش استکشاف النظریه مرحوم شهید صدر (رضوان الله علیه) و فوق العاده دقیق و فنیه ما نصوص رو مرحوم شهید صدر تفکیک می‌کند نصوص میان احکام و نصوص مبین غایات و اهداف.

این از اون بزنگاه های بحث روش شناسی و منهج شهید صدر (رضوان الله علیه) است که باید فهم بشود و حجتیش روشن بشود در تعادل بین این دو مدل نصوص ما یک نصوصی داریم که چیز دبگری بیان می‌کند.

اگر یک گزاره‌ای که گزاره فقه فردیه منتج به یه حکمی شد که با این نصوص مبین غایات ناسازاگاره ما چکار بکنیم؟

چطور ما در استنباط و اجتهاد اینها را دخیل کنیم. این ها همان بزنگاه‌هایی بود که عرض کردیم نیاز به تأمل جدی داره و نکته آخری عرض کنم، ببینید وقتی ما یه نظامی رو حالا کشف کردیم مکانیزمش رو هم فهم کردیم گفتیم با فقه احکام هم نمیشه با فقه النظریاته اون وقت یه سوال اساسی مطرح می‌شه. فرض کنید یک نظام اقتصادی رو یک مجتهد عالیقدرتی مثل مرحوم شهید صدر (رضوان الله علیه) کشف کرد و این نظریه رو و این نظام‌سازی رو کرد. حالا این سوال مطرح میشه اگر ما این

نظام سازی رو این المذهب رو گرفتیم کنار اون فعل حکومت که سیاست گذاریه. حکومت وقتی می خود سیاست گذاری بکنه فقیه حاکم وقتی می خود سیاست گذاری بکنه اولاً این فقیه حاکم در مقام استکشاف نظریه همین که فرمودن به چه دلیل سراغ اقوال دیگه میره؟ ایشون از استادشون و حضرت آیت العظمی حائری که خدا انشاء الله حفظ شون کند عبارتی رو نقل کرد هم بحث انسداد رو هم بحث ولايت رو بگذارید اینجا عرض کنم که مشکل خیلی جدی تر از این حرفاست. خیلی جدی تر از این حرفاست. چون بحث ولايت رو مطرح کردین همین مسئله رو توفيق خدمت داشتم خدمت سید الاستاد آیت الله العظمی شاهروdi (دام ظله) يه روز مفصل خدمت ایشون عرض کردم گفتمن این یکی از بزنگاههای منهج و روش شهید صدر (رضوان الله عليه) در استکشاف النظریه است و چطور باید حل بکنیم. بینید اینو من خواهشم اینه که یه کم تانی کنیم که بینیم روی اینها باید گفت و گو می شد که اون وقت آزاد اندیشی بیاد روی نقد این بحث ها که یک پله جلو ببره بحث رو. بینید چی اتفاق می افتد.

بنده بعنوان فقیه حاکم دنبال کشف نظریه اقتصادی اسلام هستم. نظریه چیه؟ شهید صدر (رضوان الله عليه) می گوید: یک استناد اجتهادی به

دین باید داشته باشد. انسجام درونی باید داشته باشد. کارآیی بیرونی داشته باشد.

وقتی می‌آییم به سراغ فتاوی خودمان می‌بینیم ناسازگار است در فقه فردی مشکلی پیش نمی‌آید. هیچ مشکلی نداره اینکه عرض کردم اصلا فقه حکومتی منهجا با فقه فردی متفاوته یکی از جاهاش همین جاست. اصلا حجت در بحث فقه حکومتی کاملاً متفاوته با فقه فردی.

بنده یک فتوای میدم متعارض باشد همین که علماء می‌فرمایند: در اون باب اینجور فتوا دادیم در این باب اینجور. ولی وقتی بحث فعل حکومتی مطرح میشه سیاست‌گذاری حکومتی مطرح میشه حکومت که نمی‌تواند متشتت سیاست‌گذاری کنه. نظام‌سازی که متشتت نمی‌شه.

ایشون می‌فرماید: برود سراغ فتاوی دیگر این سوال از اینجا مطرح می‌شود. اگر حاکم مجتهد است، چطور می‌تواند رجوع به غیر نماید؟ چطور در نظام‌سازی‌ها هنوز بحث اعمال این نظام و اجرایی کردن این نظام نیست.

این موضوع را مرحوم شهید صدر (رضوان الله عليه) جواب داده است. یعنی غافل از این اشکال نبوده. بحث‌هایی هم هست ولی فرصت نیست. مرحوم شهید صدر (رضوان الله عليه) می‌فرماید: چیزی حدود ۹۵ درصد اجتهاد مجتهدین ظنی هست قطعی که نیست. یک

پیش زمینه ذهنی وجود دارد و آن انسجام شریعت اسلامی است.

بنده که مجتهدم و فتوای دیگری را اصلا مجاز نمیدونم و غلط می‌دونم در نظریه سازی و کشف نظریه هم باید به همین ترتیب عمل کنم.

### حل نظریه ولایت فقیه و منطقه الفراغ

بینید بنده در مقام حکمرانی می‌خوام یه نظریه‌ای رو که برخی از آجرهاش از فتواهای غیر مشروع و نگاه من، فتواهایی که شرعی نیست درست نیست این نظریه کشف شده چطور می‌توانم اینو بیارم مبنای عمل قرار بدم.

مرحوم آیت الله حکیم، حضرت آیت الله سیستانی، مرحوم آیت الله خویی (رضوان الله علیہم اجمعین) این مطلب را مطرح فرموده‌اند؛ یک عبارتی است از منهاج عبارت اینجا هست که اعمال ولایت ولی، دو تفکیک و دو حوزه می‌کنند. میگن آقا این اعمال ولایت یه وقتی پیش حاکم و ولی می‌روید ترافعی دارید که آقا این زمین مال کیه. این یه وقتی حکم می‌کند می‌خواد یه جوری کشف واقع بکند یا اثبات واقع بکنه ولی یه موقعی می‌خواد در مقام حکمرانیه در مقام حکمرانی بحث کشف واقع

نیست اگر زمین از منه پیش قاضی رفتیم قاضی به ادله‌ای که ثابت شد زمین را داد به شما. سوال من از شما اینه حکم حاکم رو بنده جایز نیست نقض کنم. بله حکم حاکم رو نقض نمی‌کنم اما زمین که مال منه و لو حاکم حکم کرده برای شما اگر به نقض حکم حاکم نینجامد زمین بزرگه من دارم ازش رد میشم میخواهم تو ش نماز بخوانم.

آیا صلاه در دار مخصوصه است؟ این صلاه در دار مخصوصه است؟ این مدل احکام رو بزارید کنار. احکامی که حاکم برای اعمال حکومت می‌دهد که بحث نظام‌سازی همینه بحث سیاست‌گذاری همنیه اونجا ولو کشف خطای هم بشه شما حق تخلف نداری و مکانیزمش رو که دارم عرض می‌کنم اینه: چهار دلیل. این یه رساله ما کار کردیم که جلوی من هست همین بحث حجیته منهج شهید صدر (رضوان الله علیه) در همین بحث فقه حکومتی است و سیاست‌گذاری است.

## تفاوت فقه فردی و فقه حکومتی

چهار دلیل در فقه فردی اقامه کردند بر حرمت رجوع به غیر. هر چهار دلیل در فقه حکومتی انصراف دارد از فقه حکومتی و اصلاً شمول نسبت به فقه حکومتی و فقه النظریات ندارد یعنی اصلاً این که می‌گوئیم: منهجاً فقه حکومتی متفاوت است به خاطر همین مطلب است. اصلاً حجیت در

فقه حکومتی کاملاً متفاوت با فقه فردیه و لذا منهج شهید صدر با اشکال مواجه نیست اینایی که عنوان اشکال به عنوان حجیت انظمه مرحوم شهید صدر (رضوان الله علیه) مطرح کودند قابل دفع است.

من هم تشکر می‌کنم از دانشگاه عدالت و هم از مجموعه دوستان که فتح باب کردن. این فضایی است که جداً باید ورود کرد و هرچه که اندیشه‌های تابناک و ارزشمند مرحوم شهید صدر (رضوان الله علیه) مطالعه شود جای کار دارد. اعتقاد دارم که خیلی جاها ابتکاراتی دارد که هنوز توصیف نشده. سوالاتی که شهید صدر (رضوان الله علیه) شاید حالا به نحو مبسوط و مفصل پاسخ نداده باید بهش پاسخ بدھیم ولی امر با چه شاخصی و چه میزانی سراغ یکی از این مسائل می‌رود.

ان الصورة التي نکوّتها عن المذهب الاقتصادي، لما كانت متوقفة على الأحكام و المفاهيم، فهي انعکاس لاجتهاد معين، لأن تلك الأحكام و المفاهيم التي تتوقف عليها الصورة، نتيجةً لاجتهاد خاص في فهم النصوص، و طريقة تنسيقها و الجمع بينها. و مادامت الصورة التي نکوّتها عن المذهب الاقتصادي اجتهادية، فليس من الحتم أن تكون هي الصورة الواقعية، لأن الخطأ في الاجتهاد ممكن. و لاجل ذلك كان ممكناً لمفكرين إسلاميين مختلفين، أن يقدموا صوراً مختلفة للمذهب الاقتصادي

فی الاسلام، تبعاً لاختلاف اجتهاداتهم، و تعتبر كل تلك الصور صوراً اسلامية للمذهب الاقتصادي، لأنها تعبر عن ممارسة عملية الاجتهداد التي سمح بها الاسلام و أقرها، و وضع لها مناهجها و قواعدها. و هكذا تكون الصورة اسلامية ما دامت نتيجة لاجتهداد جائز شرعاً، بقطع النظر عن مدى انطباقها على واقع المذهب الاقتصادي في الاسلام.<sup>۱</sup>

عبارة مفصلة. اون مطلبی که میخواهم شاهد بیاورم همین مطلب است، و **لاجل ذلك** که اجتهادها متعدد است اجتهداد در کشف نظریه‌ها و اجتهداد فقه فردی. من بخواهم مثال بزمن الا ماشاء الله شما می توانید نظریه اقتصادی تولید کنید نظریه قضایی تولید کنید.<sup>۲</sup> الان ما یک کاری داریم انجام

---

<sup>۱</sup>- ترجمه این عبارت از اقتصادنا سید شهید (رضوان الله عليه) به این صورت است:  
چون صورتی که ما از مذهب اقتصادی داریم، متوقف بر احکام و مفاهیم است، پس انعکاسی از یک اجتهداد مشخص است؛ زیرا آن احکام و مفاهیم که آن صورت متوقف بر آنهاست، نتیجه اجتهداد شخصی از درک نصوص، روش تنسيق و جمع بین نصوص است. هنگامی که آن صورتهای برآمده از مذهب اقتصادی را به روش اجتهداد تحصیل کنیم، مطمئن نیستیم که همان صورت واقعی از مذهب اقتصادی باشد؛ چرا که خطأ در اجتهداد ممکن است. به همین سبب، امکان دارد متفکران مختلف اسلامی، به جهت اختلاف در اجتهدادشان، صورتهای متعددی از مذهب اقتصادی در اسلام ارائه دهند. در این حال، همه آن صورتهای اسلامی مذهب اقتصادی به شمار می آیند، زیرا از طریق اجتهدادی که اسلام آن را اجازه داده و تثبیت کرده و روشهای و قواعد آن را وضع کرده، بیان می شوند. در نتیجه آن صورت تا زمانی که نتیجه اجتهداد شرعی و جایز باشد، با صرف نظر از میزان انطباقش با مذهب اقتصادی واقعی در اسلام، یک صورت اسلامی از مذهب اقتصادی است. / اقتصادنا ص ۳۸۳

<sup>۲</sup>- مقصود ما از اقتصاد اسلامی، مذهب اقتصادی است نه علم اقتصاد. / رجوع کنید به اقتصادنا، ص ۱۵۱ و ۱۷۹

می‌دهیم مبتنی بر رای مرحوم میرزاگی قمی بر تعطیلی حدود در عصر غیبت. اصلاح نظام واره قضایی و نظریه قضایی داریم تولید می‌کنیم و استناد اجتهادی به دین، انسجام درونی و کارآیی بیرونی. همه این سه تا شاخصه رو هم داشته باشند. حالا ولی امری که این انزمه می‌داند اینجا ضابطه و شاخصه می‌خواهد.

ایشان می‌فرماید: و لاجل ذلک.... این اختلاف در استکشاف انظمه است. من الممکن لمفکرین اسلامیین مختلفین، آن یقدموا صوراً مختلفة للمنذهب الاقتصادي - انظمه اقتصادي مختلف - تبعاً لاختلاف اجتهاداتهم، و تعتبر كل تلك الصور صوراً اسلامية للمنذهب الاقتصادي، لأنها تعبر عن ممارسة عملية الاجتهداتى سمح بها الاسلام وأقرها.

نقد، نظریه پرداز

اینها همه اسلامی است. ایشان می‌فرماید: تمام نظریات اسلامی است. ما اگه می‌خواهیم بگوییم فقه و نظام‌سازی دوستان نظریه‌پردازی این که می‌گوییم فقه النظریات، نظریه‌های متعدد و منسجم تولید کرد. ما باید امروز یک گام جلوتر بحث می‌کردیم. وقتی نظام‌های متعدد تولید شد به فرمایش شهید صدر (رضوان الله علیه) حالا الان فقه اگر می‌خواهد نظام‌سازی نماید برای سیاست گذاری حوزه اقتصادش با چه مناطقی و با

چه ضابطه‌ای اتخاذ یک مذهب اقتصادی می‌خواهد. منهجی و روش این حوزه است که باید به آن رسیدگی شود.

من عذرخواهی می‌کنم هم تند صحبت کردیم بخاطر این که فرصت رو بتونیم مدیریت کنیم. به هر حال تشکر می‌کنم از مجموعه فرمایشات دوستان هم استفاده کردیم و انشاالله الرحمان توفیقی باشه که در جلسات بعدی بتونیم بحثهای مبسوط تر و مفصل تری رو داشته باشیم. و السلام عليکم و الرحمن الرحيم ...

مرداد ماه ۱۳۹۵